

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی ---
نه روحانی و نه احمدی نژاد،
آیت الله خامنه ای مسئول
اول فاجعه است.

فقر بیشتر کارگران، از جمله هزینه های

پروژه های اتمی رژیم

زینت میرهاشمی
در صفحه ۴

مهدی سامع
اوضاع ایران و مردم آن هر روز فاجعه بار تر می شود. خبرگزاریهای دولتی اعلام کردند که در آبان ماه سال جاری ۳ هزار و ۶۰۰ نفر در تهران بر اثر آلودگی هوا جان خود را از دست داده اند. روزنامه سرمایه در شماره روز شنبه ۲ دی می نویسد، یوسف رشیدی مدیرعامل شرکت کنترل کیفیت هوا اعلام کرد که: «روزانه ۲۰ تا ۲۵ نفر به دلیل آلودگی بیش از حد هوا در تهران می میرند.»

همین روزنامه در شماره روز ۲۸ دی خود از قول سهراب مشهودی، استاد دانشگاه نوشت: «طبق آمارهای جدید هر دقیقه تنفس در تهران برابر ۹ نخ سیگار کشیدن است.» زینت میرهاشمی در روز ۱۸ دی در سایت ایران نبرد نوشت: «بر اساس یک تحقیق از جانب کارشناسان محیط زیست، با یک میلیارد دلار حداقل می توان ۲۰ هزار دستگاه اتوبوس گازسوز به ناوگان حمل و نقل شهری افزود و با این ۲۰ هزار که تقریباً سه برابر تعداد فعلی اتوبوسها است، می توان ۳۰ درصد سهم تردد با وسیله وسایل نقلیه عمومی را به بیش از ۸۰ درصد رساند.»

بنا به گزارش روز سه شنبه ۱۲ دی خبرگزاریهای فارس، معاون احمدی نژاد اعلام کرد که: «۴،۵ میلیون نفر از مردم ایران با درآمدی برابر ۳۰ هزار تومان در ماه زندگی می کنند و قدرت خرید دو دهک پائین درآمدی جامعه بسیار پائین است و قوت غالب آنها نان و حداکثر نان و ماست است.»

روزنامه رسالت در شماره روز سه شنبه ۱۹ دی از قول مجری طرح جامع کاهش آلودگی هوای تهران آماری نقل کرده که نشان می دهد «در سال گذشته ۹۹۰۰ نفر در تهران»، یعنی هر روز ۲۷ نفر به دلیل آلودگی هوا جان خود را از دست داده اند.

در ماه گذشته ۱۱ استان کشور با مشکل قطع گاز مواجه بودند. حکام ایران که به اولیه ترین نیازهای مردم توجه ندارند با هدر دادن منابع ملی مردم ایران زندگی مردم را به تباهی کشیده اند.

ایسنا روز پنجشنبه ۲۸ دی از قول سیدرضا کسایی زاده، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران اعلام کرد که: «هم اکنون نیمی از ۱۰۰ میلیارد مترمکعب گاز مصرفی کشور در سال هدر می رود که این رقم برابر ۱۲،۵ میلیارد دلار پول مملکت است.»

بقیه در صفحه ۲

سرمقاله

جمهوری اسلامی در
کانون فشار یک استراتژی
بدون تغییر

شعله های بحران
بنیان سوز

جعفر پویه

« به هر حال، وضعیت عراق فرصتی را در برابر رژیم ملایان قرار داد تا از موقعیت به وجود آمده حد اکثر بهره برداری را بکند. مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق با یک ارتش مسلح به نام "سپاه بدر" و دیگر دارو دسته های مذهبی ای که سالها توسط سپاه پاسداران آموزش دیده اند را به عراق گسیل کرد تا انقلاب اسلامی را به عراق ببرند.»

در صفحه ۷

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

- ماجرای "انقلاب مداوم" تروتسکی و سر به سر ساییدن چاوز و احمدی نژاد
- به فکر درمان ایدز باشیم
- فوروم اجتماعی، از حرف تا عمل
- عدالت در آمریکا، چرا ریچارد فورد خوب بود و صدام بد؟
- چین لگام گسیخته
- پیوستن رومانی و بلغارستان به اتحادیه اروپا به سود کدامیک؟

در صفحه ۵

منصور امان

استراتژی جدید دولت آمریکا پیرامون سیاست این کشور در عراق که در ۲۰ دی (۱۰ ژانویه) اعلام گردید، حتی پیش از آن که به تحلیلگران اجازه ی بررسی این سند و پیش بینی جهت گیریها و نتایج اش را بدهد، به صورت یک فاکت عینیت یافته، به شتاب در حال به جا گذاشتن آثار خویش است.

مساله مورد توجه اینک تنها می تواند ارزیابی دامنه ی آثار مزبور و مرزهای گسترش آن باشد. شواهد انکارناپذیری (که در جای خود بدانها اشاره خواهد شد) بیانگر آن هستند که سیر تحولات آتی به سوی تشدید فشار آمریکا بر جمهوری اسلامی در حال حرکت است، فشارهایی که در جوهره بیشتر از آن که ماهیتی دیپلماتیک - سیاسی و از این زاویه مسالمت آمیز داشته باشد، قهری و ناچار غیرمسالمت آمیز است. جهت گیری عمده ی ایالات متحده از یک سو و شرایط مشخص در زمینی که سکوی پرش آن را تشکیل می دهد.

بقیه در صفحه ۳

نگاهی به سیاست دولتها و

بحران زیست محیطی

(قسمت اول)

الف - آنایتا

در صفحه ۱۰

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه اول

با نگاهی به آمار و ارقام بالا که بخش ناچیزی از آنچه بر مردم ایران می گذرد را منعکس می کند می توان دریافت که جمهوری اسلامی با پافشاری بر روی پروژه اتمی چه جنایتی در حق مردم ایران مرتکب می شود. اگر ادعاهای سران رژیم در مورد پروژه اتمی را قبول کنیم و با توجه به ذخائر شناخته شده اورانیوم در ایران فرض کنیم که جمهوری اسلامی بدون هیچگونه محدودیت بتواند با نصب ۳۰ هزار سانتریفوز در پایگاه نطنز سوخت اتمی تولید کند، این سوخت فقط بخشی از نیازهای نیروگاه هزار مگا واتی بوشهر را برای حداکثر ۲۰ سال تامین می کند. اگر به جای هزینه های گزافی که تاکنون برای نیروگاه بوشهر و بقیه پروژه های اتمی به شمول هزینه های سرسام آوری که برای سایت نطنز صورت گرفته (حدود ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود) حکومت به فکر مردم بود با توجه به ذخائر عظیم گاز ایران که بخش زیادی از آن به علت عدم سرمایه گذاری به هدر می رود، می توانست با ساخت نیروگاههای سیکل ترکیبی تقریباً ۸ برابر نیروگاه چرنوبلی بوشهر برق تولید کند.

در مورد عوارض خریدهای رژیم از بازار سیاه اخیراً آقازاده، رئیس سازمان انرژی اتمی در تمجید از احمدی نژاد نکته ای را لو می دهد که قابل تأمل است. روزنامه کارگزاران در شماره روز شنبه ۱۶ دی در گزارشی از دیدار آقازاده رییس سازمان انرژی اتمی با سینماگران از قول وی نوشت: «سران سه قوه مجوز راه اندازی زنجیره سانتریفوزها را به ما دادند اما یک شب به من خبر دادند هر ۵۰ سانتریفوزی که به کار انداخته بودیم ترکیده است در آن فاصله این فضا به وجود آمد که **هزینه ها برای چه صرف می شود** که پس از این حادثه آقای احمدی نژاد زنگ زدند و گفتند اگر این ماشینها ۱۰ بار دیگر هم خراب شد دوباره بسازید. پس از بررسی ها مشخص شد که «یو پی اس» هایی که از مسیر ترکیه وارد شده بود دستکاری شده است.»

سران رژیم و به خصوص خامنه ای باید به مردم ایران پاسخ دهند که «هزینه ها برای چه صرف می شود.» مردم ایران در جریان جنگ ۸ ساله پافشاری آیت الله خمینی به ادامه جنگ پس از شکست نیروهای عراق در خرمشهر چه زیانهای جبران ناپذیری به ایران و مردم آن وارد کرد. هدف خمینی از ادامه جنگ که آن را «نعمت الهی» اعلام می کرد، تضمین امنیت نظام و ولایت فقیه از طریق صدور

بحران بود. در شرایط کنونی نیز آیت الله خامنه ای با پافشاری بر پروژه اتمی همان هدف را پیگیری می کند. روز سه شنبه ۲۶ دی خبرگزاربهای دولتی اعلام کردند که محمود احمدی نژاد «قانون الزام دولت به تجدید نظر در روابط با آژانس بین المللی انرژی اتمی را برای اجرا ابلاغ کرد.»

ماده واحده این قانون با توجه به قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت ملل متحد، در جلسه علنی روز چهارشنبه ۶ دی مجلس ارتجاع به تصویب رسید و شورای نگهبان همان روز آن را تأیید کرد. روشن است که مصوبه مجلس با تهدیدهای قبلی مبتنی بر خروج از معاهده منع گسترش سلاحهای اتمی فاصله بسیار دارد و فقط به «تجدید نظر در روابط با آژانس بین المللی انرژی اتمی» محدود می شود و تصمیم در مورد میزان این «تجدید نظر» هم از طرف کمیته ای در شورای عالی امنیت رژیم اتخاذ می شود. نکته مهمتر این که خود سران رژیم هم به خوبی می دانند که در تله ای گیر کرده اند که با اراجیف پاسدار احمدی نژاد چفت و بستهای این تله را خود محکمتر می کنند.

اگر رژیم ایران با پذیرش تعلیق غنی سازی اورانیوم و دست برداشتن از برنامه های پنهانی اتمی و تصویب پروتکل الحاقی، به طور شفاف و بدون اما و اگر امکان راستی آزمایی فعالیتها هسته ای را برای آژانس بین المللی انرژی اتمی فراهم می کرد، اکنون با چنین بن بست بی رویه و روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله روز سه شنبه ۱۹ دی از گفته های احمدی نژاد که «بدون پشتوانه فکری و تدبیر» بیان می شود انتقاد کرده و از وی خواسته با توجه به حساسیت پرونده هسته ای از این گونه برخوردهای بدون محاسبه خودداری کند.

پافشاری خامنه ای بر ادامه غنی سازی که در حقیقت تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی است و سوار شدن بر مرکب جهل و ماجراجویی برای کسب ولایت امپراطوری اسلامی عامل اصلی ورود شورای امنیت ملل متحد به فصل هفتم منشور ملل متحد می باشد. فصل هفتم منشور ملل متحد در مورد «اقدام در رابطه با تهدیدات صلح، نقضهای صلح و اقدامات تجاوز کارانه» است. این فصل شامل بندهای ۳۹ تا ۴۲ است.

در بند ۳۹ گفته شده «شورای امنیت باید وجود هرگونه تهدید برای صلح، نقض صلح و یا اقدام تجاوز کارانه را تشخیص دهد و توصیه هایی ارائه کند یا تصمیم بگیرد که چه معیارهایی باید مطابق با بندهای ۴۱ و ۴۲ برای حفظ

و احیای صلح و ثبات بین المللی اتخاذ شود.»

بر اساس ماده ۴۰ «در راستای جلوگیری از وخامت اوضاع، شورای امنیت ممکن است پیش از توصیه ها و یا تصمیم گیری درباره ی معیارهای منظور شده در بند ۳۹ از طرفهای مربوطه بخواهد به چنین معیارهای مشروطی که شورا ضروری یا مطلوب در نظر می گیرد، پایبند باشند. چنین معیارهای مشروطی باید بدون پیش داوری برای حقوق، ادعاها یا موضع طرفهای مربوطه باشد. شورای امنیت باید آن طور که لازم است قصور در پایبندی به چنین معیارهای مشروطی را در نظر بگیرد.»

همانطور که ملاحظه شد، ماده ۳۹ بر تشخیص موضوع استوار است. ماده ۴۰ به توصیه ها می پردازد. مواد ۴۱ و ۴۲ در مورد تصمیمات تنبیهی شورای امنیت است که در اولی موضوع اعمال زور منتفی می شود.

در ماده ۴۱ منشور ملل متحد آمده است که: «شورای امنیت ممکن است تصمیم بگیرد که چه معیارهایی بدون توسل به نیروی نظامی، برای اثرگذاری بر تصمیماتش به کار گرفته می شود و ممکن است از اعضای سازمان ملل بخواهد چنین معیارهایی را به کار ببرند. اینها ممکن است وقفه ی کامل یا نسبی روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و دیگر ابزارهای ارتباطاتی و قطع روابط دیپلماتیک را شامل شود.»

و بالاخره ماده ۴۲ چنین است: «اگر شورای امنیت در نظر بگیرد که معیارهای منظور شده در بند ۴۱ ناکافی خواهد بود یا ثابت شود که ناکافی است، ممکن است چنین اقدامی را با نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی انجام دهد، چرا که ممکن است برای حفظ و یا احیای صلح و امنیت بین المللی ضروری باشد. چنین اقدامی ممکن است نمایشهای قدرت، محاصره و دیگر عملیات از طریق نیروهای هوایی، دریایی و یا زمینی اعضای سازمان ملل را شامل شود.»

در مورد برخورد با پروژه اتمی شدن رژیم ایران شورای امنیت سازمان ملل متحد روز دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۸۵ (۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶) قطعنامه شماره ۱۶۹۶ را بر اساس بند ۳۹ و ۴۰ به تصویب رساند که بر طبق آن قرار بود پس از یک ماه پرونده رژیم مورد بررسی مجدد قرار گیرد. مسئولان پرونده اتمی در دولت احمدی نژاد بر این باور بودند که روسیه و چین به قطعنامه بعدی رای نخواهند داد. اما سر انجام پس از حدود ۴ ماه در روز شنبه ۲ دی ۱۳۸۵ (۲۳ دسامبر ۲۰۰۶) قطعنامه ۱۷۳۷ که از طرف سه کشور اروپایی تهیه شده بود با اندکی تعدیل به اتفاق آرا به تصویب رسید. بر اساس بند ۲۵ منشور

ملل متحد قطعنامه های مصوب شورای امنیت برای همه کشورهای عضو سازمان ملل الزام آور خواهد بود. قطعنامه ۱۷۳۷ با استناد به همه بیانیه ها و قطعنامه های شورای حکام سازمان بین المللی انرژی اتمی و با استناد به قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت با عبور از بند های ۳۹ و ۴۰ بر اساس بند ۴۱ تحریمهای محدود اتمی و موشکی را در مورد رژیم ایران به تصویب می رساند. در ماده ۲۴ این قطعنامه تأکید می شود که اگر پاسخ جمهوری اسلامی به قطعنامه مثبت نباشد شورای امنیت تصمیمات بعدی را بر اساس بند ۴۱ اتخاذ خواهد کرد.

با وجود این که تحریمهای موجود در قطعنامه اخیر بسیار محدود است، اما در درون حکومت نگرانی از تبعات قطعنامه روز به روز بیشتر می شود به نحوی که از هم اکنون عده ای احمدی نژاد و تیم مذاکره کننده فعلی را مسئول چنین وضعی می دانند و تعداد دیگری حسن روحانی و تیم مذاکره کننده قبلی را. روزنامه آفتاب یزد در یکی از شماره های ماه گذشته از قول پیرموذن نماینده مجلس از اردبیل می نویسد: «چالش اصلی امروز کشور بحرانهای سیاسی است، چرا که همین التهاپهای سیاسی در درون کشور به طور مستقیم بر اقتصاد اثر می گذارد و ما که از نظر فرار نخبگان در منطقه اول هستیم نمی توانیم چشم خود را ببندیم که قطعنامه ها و بیانیه های مکرر شرایط اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد.»

روزنامه اعتماد ملی در شماره روز شنبه ۱۶ دی بیانیه جبهه مشارکت درباره پرونده اتمی را منعکس کرده است. در این بیانیه با اشاره به «یکدست و یکصدا شدن مدیریت پرونده هسته ای» از «نوعی سانسور در افکارعمومی» خبر داده که به نوشته بیانیه با «منافع ملی ضدیت» دارد. در این بیانیه از دولت و تیم مذاکره کننده خواسته شده که «به صورت شفاف و روشن همه پیامدهای مثبت و منفی سیاستهای موجود برای مردم تشریح شود و بیان کنند چه سرنوشتی را از تداوم این سیاستها پیش بینی می کنند و مسئولیت کلیه عواقب سیاستها و اقدامات خود را بپذیرند.»

بدیهی است که این میزان از نگرانی و نق زدنهای درون حکومتی، در شرایط اختناق که مردم قادر نیستند در ابعاد گسترده به مقابله با ماجراجوییهای استبداد مذهبی حاکم بپردازند، نمی تواند خامنه ای را از مرکب جهل و جنایت و ماجراجویی پیاده کند. و از همین رو ضرورت فشار بیشتر به حکام ایران برای جلوگیری از یک فاجعه بزرگ بیش از پیش خود را نشان می دهد.

بقیه در صفحه ۴

جمهوری اسلامی در کانون فشار یک استراتژی بدون تغییر

بقیه از صفحه ۱

خاورمیانه و آسیای مرکزی) از سوی دیگر، جای گمانه زنی زیادی پیرامون مفهوم عملی سُختن آقای بوش و روند رویدادهایی که پس از آن به گردش در خواهد آمد، به چا نمی گذارد. تنها کسانی صدای شمارش بازگونی بوم ساعتی کار گذاشته شده را نمی شنوند که یا منافع معینی در انفجار آن دارند یا همچون رهبران جمهوری اسلامی و دستگاه های تبلیغاتی آنها، در تلاش هستند سپر توده بیشماری که قربانی خواهد شد را در شن فرو ببرند و بدین حربه، گردن خویش را از زیر تیغ مسوولیتی که در فراهم آوردن موقعیت خطرناک کنونی دارند، برهانند.

سختن بوش، تاکید بر یک

استراتژی بدون تغییر

آن چه که آقای بوش برای گُفتن آن بر صفحه تلویزیونهای - تقریباً - سراسر جهان پدیدار شد را اگر چه در خطوط کلی نمی توان "استراتژی" نامید اما با نگاه به اعلام تغییر اولویتهای آمریکا در برخورد به بحران عراق، ویژگی "جدید" را می توان بدون هراس از ارتکاب به سهل انگاری بدان بخشید. میلیتاریسم به مثابه نیروی محرکه ی "نظم نوین جهانی" که ایالات متحده در پی شکل دادن به آن به اشغال نظامی افغانستان و عراق پرداخت، پایه ای است که کلیه تدبیرهای ارایه گردیده در "استراتژی جدید" بر آن استوار گردیده است. اعزام ۲۰ هزار سرباز بیشتر به عراق و درخواست بودجه افزون تر نظامی، در راستای این جهت گیری و ترسیم خط تاکید زیر آن است. تحرکات دیگر دستگاه سیاسی آمریکا پس از چهره نمایی "استراتژی" مزبور یعنی، طرح امنیتی برای عراق، افزایش فشار بر رژیمهای ایران و سوریه، اعزام یک ناو هواپیما بر دیگر به خلیج فارس و سر آخر یورش به دفتر اطلاعاتی جمهوری اسلامی در اربیل، نه از حیث مضمون و نه شکل، از درونمایه انگاشت ایالات متحده برای جهان تک قطبی، متمایز نمی شود. دگرگونی مشاهده پذیر، تمرکز بیشتر روی اهدافی است که پیشتر مُتقدم شمرده نمی شدند و مثنی کنونی نشان می دهد که پیرامون میزان تهدید و تاثیرگذاری منفی آنها، ارزیابی دوباره ای صورت گرفته است.

ارجحیتهای جدید آمریکا

مهمترین محور سیاست جدید کاخ سفید، گسترش دامنه اقداماتی است که از عراق برای تثبیت هژمونی آمریکا در منطقه آغاز شده است. در این میان به خوبی آشکار گردیده که حذف رژیم صدام حسین به عنوان یک مانع جدی بر سر راه این هدف، به طور خود پویه به هموار کردن مسیر "نظم نوین" نیانجامیده است. برعکس، تحول مزبور تضادها و ناهمگونیهای این انگاشت با بستر سیاسی - اجتماعی گرد خود را بسیار زودتر از آن که رهبران و ژنرالهای واشنگتن آرزو می کردند، به سطح آورده و - همچنان که از جنگهای فرقه ای عراق می توان دریافت - به شکل گیری برخی دیگر به گونه فعال یاری رسانده است. برآمد ناگزیر این شرایط، تغییر نگاه از آثار بی واسطه ی این تضادها به سوی سرچشمه ی آن و چرخش در برخورد بدان از سطح یک بحران عراقی، به بحرانی منطقه ای است. در این رابطه، رژیمهای سوریه و جمهوری اسلامی به همان گونه بر صفحه ی هدف نشانده می شوند که دولت دست نشانده ی آقای مالکی در عراق.

تشدید فشار برای این دولت به معنای تغییر آرایش سیاسی در عراق است. رخصتی که به نخست وزیر این کشور تا اوایل آذر سال آینده (اواخر نوامبر سال جاری میلادی) برای پایان دادن به بی ثباتی بخشیده شده است، در حقیقت شمشیر داموکلسی است که زیر تهدید دایمی آن، دولت عراق می بایست به جلو هدایت شود یا بسا زودتر از مهلت اعطایی، سر بگذارد. تناقضی که در نگاه اول میان سیاست افزایش فشار آمریکا و ابقای دولت آقای مالکی به نظر می رسد، با دقت به تاکتیک تعیین مهلت مزبور، توضیح پذیر خواهد بود. واقعیت آن است و بر آمریکا نیز پوشیده نیست که رییس دولت عراق نمی تواند شاخه ای که بر سر آن نشسته را قطع کند. مهمترین پشتیبانان وی، باندها و شبه نظامیانی هستند که موجودیت خویش را مدیون بی ثباتی و خلاء قدرت مرکزی می باشند. این امر در مورد جریان آخوند مقدسی صدر که ۲۳ نماینده در مجلس و ۶ وزیر در کابینه دارد به همانگونه صادق است که در مورد باند آخوند حکیم که افزوده بر حضور توجه پذیر در مجلس و دولت، بر تن افراد مسلح خویش، لباس پلیس و ماموران امنیتی نیز پوشانده است.

در پس درخواست از آقای مالکی برای "سرکوب شبکه های تروریستی ایران و سوریه"، کنترل یا حذف این نیروها خردنمایی می کند و مهمتر از آن، هدف اصلی نه جریان آقای صدر بلکه، شبه نظامیان "بدر" است که استخوان بندی امنیتی - تشکیلاتی دولت آقای مالکی را تشکیل می دهند. در همین

رابطه آن چه که آقای بوش در راهکارهای ارایه شده از جانب خود زیر عنوان "همکاری نیروهای عراقی و آمریکایی" طرح کرده است، فراخوان صریحی به سوی آقای مالکی برای گسیل نیروهای مسلح دولتی به منظور سرکوب متحدان خود است؛ خواسته ای که حتی اگر وی مایل به اجرای آن باشد، - به دلایل فهم پذیر - با استقبال زیادی از جانب دوستانش روبرو نخواهد شد.

تناقضی که کاخ سفید و پنتاگون بدین وسیله آقای مالکی را با آن روبرو ساخته اند، بیش از هر چیز به دمونتاژ تدریجی و عامدانه دولت کنونی عراق شباهت دارد؛ گمانه ای که تعیین مهلت برای چیرگی بر این تناقض ماهوی و از این رو غلبه ناپذیر، آن را تقویت می کند. با این وجود، این تنها یک بازی با نتایج از پیش معلوم با آقایان مالکی، حکیم و صدر نیست. از پُل آنها، آمریکا گام به گام به سوی پشتیبانان نزدیک می شود. نزدیک ترین راه برای گره زدن بحران عراق به مساله جمهوری اسلامی، تاییدن رشته نخپایی است که از آن سوی مرز این کشور بدین سوی، امتداد یافته اند.

جمهوری اسلامی در کانون
فشار

بر خلاف توصیه های کمیسیون بیکر - هامیلتون که خواهان به بازی گرفته شدن جمهوری اسلامی و سوریه به عنوان بخش از راه حل بحران عراق شده بود، در راهکار جدید کاخ سفید، به دو حکومت مزبور و به ویژه رژیم مَلاها، به چشم کانون اصلی مُشکل نگریسته شده است. ارزیابی مزبور روندی که با ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت آغاز شد را تعیین بخشیده است. شکست تلاشهای میناجی گرانه کشورهای اروپایی، دوران پس از دیپلماسی را به روی جمهوری اسلامی گشود و آقای بوش با قرار دادن آن در مرکز توجه خود و ارسال ناو هواپیما بر و استقرار موشکهای ضد موشک پاتریوت در کشورهای همسایه ایران، به پایان دیپلماسی مُهر تاکید زد. حمله نظامیان آمریکایی به دفتر اطلاعاتی مَلاها در اربیل بر اساس حقوق بین الملل یک اقدام جنگی درجه یک شمرده می شود، هر گونه سووتفاهم نسبت به تغییر سطح مُناسبات با جمهوری اسلامی را از میان برداشت. برای حرفهای بی بُته ای که در سیرک سیار "قدرت منطقه ای" مشغول مُست زدن به دهان موجودات ناپیدا بودند، ناگوارتر از اجبار به پایین کشیدن فیتله ی لاف زنی، درک انزوایی بود که در پهنه بین المللی بدان گرفتار آمده اند. اقدام آمریکا هیچ واکنش پین المللی را برنیاغیخت و حتی شرکای تجاری مَلاها نیز حاضر به همدردی - و نه

محکومیت این اقدام - با مَلاها نشدند. اندکی بعد، هنگامی که آقای لاریجانی سراسیمه به ریاض شتافت تا پیش از دیار خانم رایس از این کشور، پیام "حسن نیت" نسبی ی "نظام" را از طریق پادشاه عربستان به وی برساند، با مفهوم تغییر شرایط، بهتر و به گونه لمس پذیرتری آشنا شد.

موقعیت خطرناک کشورهای که با انزوای مُشابهی روبرو بوده اند و در نظم بین المللی به رُل شکار آزاد سقوط کرده اند، نمی تواند برای رهبران رژیم جمهوری اسلامی که در کنار خود شاهد سرنوشت رژیمهای طالبان و صدام حسین بوده اند، نا آشنا باشد. سیاستهای ماجراجویانه و تشنج زای مَلاها به صورت جُبران ناپذیری این فرآیند را به جریان انداخته است. سیاست جدید کاخ سفید و پنتاگون مبنی بر گسترش بحران عراق به یک جُبران منطقه ای، توفانی است که علیه آنها که باد کاشته بودند، وزیدن گرفته است.

راهکار آمریکا یا
جمهوریخواهان؟

هر گاه تعریف جایگاه مُنحصر به فردی که ایالات متحده پس از فروپاشی بلوک شرق در توازن قوای بین المللی یافته، چالش طبقه حاکم بر این کشور انگاشته شود، در این صورت در تحلیل خط مشی دولت وقت آن می توان از این نقطه حرکت کرد که پیرامون جهت گیری و خطوط راهنما، توافقی فراگیر در میان طبقه ی مزبور وجود دارد. فاکت یاد شده، جایگاه رقبتهای حزبی، کشمکش خط مشیهای به ظاهر متفاوت و راه حلهای گوناگون را به صورت واقعی و در چارچوبی که جای می گیرد را توضیح می دهد. از این رو، تلاش برای کسب هژمونی در مناطق استراتژیک تامین انرژی با هدف کنترل آنها و مسیرهای جریان بایی شان، احزاب جمهوریخواه و دموکرات به یکسان سهیمند؛ و فراتر از آن، ترکیبی از دو جناح چپ و راست طبقه سیاسی این کشور (جمهوریخواه و دموکرات)، لایه ی مُمتاز "نو" - محافظه کاران" که موتور فکری و سازمانده "نظم نوین" به شمار می آید را تشکیل داده است. این تصویر از تابلوی سمگگیری استراتژیک ایالات متحده و آرایش دهندگان آن، در درجه نخست از ثبات معینی در سیاستهایی که به تامین آن می انجامد حکایت می کند. این بدان معناست که مساله عراق، از دریچه منافع عام طبقه حاکم آمریکا بیشتر از آنکه به جنگ ویتنام شباهت داشته باشد به بحران کوبا که طبقه ی مزبور در جریان آن تهدید به شروع یک جنگ اتمی را نیز به خوبی در مُحاسبات خود گنجانده بود، شانه می ساید.

فقر بیشتر کارگران، از جمله هزینه های

پروژه های اتمی رژیم

زینت میرهاشمی

دروغ می خواهند این گونه القا کنند که با صدور این قطعنامه و اعمال تحریم علیه ایران، ایران باید هزینه های زیادی را در این ارتباط بپردازد. ولی ما تا کنون هزینه ای نپرداخته ایم ... چه هزینه هایی داده ایم؟» حرفهای این پاسدار عوامفریب در حالی که هنوز هیچ تحریم اقتصادی اعمال نشده، قیمت مواد غذایی چند برابر شده آن قدر مضحک بود که بلافاصله موضوع گرانی سرسام آور گوچه فرنگی به یک مساله در صحن مجلس تبدیل شد.

احمدی نژاد روز یکشنبه اول بهمن، در مجلس در حالی که تحریمهای شورای امنیت را بی حاصل خواند، آماری ارائه داد که درستی آن را هیچ نهاد سنجیداری تأیید نمی کند. احمدی نژاد فریبکارانه با ارائه آمارهای قلابی در مورد «عدالت و پیشرفت»، حتا به آمارهای پیشین ارائه شده از طرف رسانه ها و کارگزاران ولی فقیه توجه نکرد. بر اساس این آمارها، همه چیز «خوب» و از «برکت» دولت احمدی نژاد مردم ایران که هیچ، مردم کشورهای آمریکای لاتین هم به ناز و نعمت خواهند رسید. این حرفهای پوچ در حالی زده می شود که هنوز تحریم اقتصادی اعمال نشده قیمتها چندین برابر شده و فقر افزایش یافته است.

به دلیل طولانی نشدن مطلب، فقط به یک نمونه اشاره می کنم. پرویز داوودی معاون اول احمدی نژاد روز سوم ژانویه ۲۰۰۷ در پاسخ به اعتراض دامادان اعلام کرد که: «دو دهک جمعیت کشور بسیار کم در آمد و نزدیک ۴ و نیم میلیون نفر با در آمد روزی کمتر از ۱۰۰۰ تومان زندگی می کنند.» وی در همین راستا گفت: «قوت غالب دو دهک پایین در آمدی جامعه حداکثر نان و ماست است.» (خبرگزاری فارس)

دولت پاسدار احمدی نژاد با ژستهای هنگی گرفتن و شرایط بحرانی، اعتراضهای کارگری و مردمی را سرکوب می کند. وقتی ولی فقیه اعتصاب را در شرایط بحرانی حرام دانسته است، کارفرمایان با دست باز دست به اخراج و تهدید کارگران معترض در واحدهای تولیدی می زنند. این ابزار کهنه سرمایه داری جهت خاموش کردن صدای اعتراضی کارگران است و در طولانی مدت نمی تواند کارایی داشته باشد به همین جهت علیرغم این ابعاد فشار، مبارزه کارگران برای بهبود شرایط ادامه دارد.

نظام ولایت فقیه، طی ۲۸ سال با تحمیل ایدئولوژی دولتی و قوانین شریعت، مردم را سرکوب و حقوق آنان را به طور روزمره نقض کرده است. در مقابله با واکنش منفی مردم در برابر دین دولتی و رشد بینش سکولار در میان مردم و جوانان، پایوران رژیم در اقدامی بیشرمانه در لایحه اصلاح برنامه چهارم و متمم بودجه سال ۱۳۸۵، طرحی گنجانده اند که دولت بخشی از بودجه عمرانی استانها را به میزان پرداخت زکات در هر استان وابسته خواهد کرد. در مورد این اخذی از مردم و مشروط کردن کارهای عمرانی به اجرای «فربایض دینی» اکبر کرمی پژوهشگر ساکن قم در مصاحبه با رادیو فردا ۱۹ ژانویه گفت: «اگر دولت ایران امروز بخواهد اختصاص بخشی از بودجه عمرانی استانها را به پرداخت زکات مشروط کند، آیا این احتمال وجود ندارد که فردا انجام دیگر فرائض دینی مانند میزان نماز خواندن و در صد روزه گرفتن مردم هم به تبصره های بودجه وارد شود؟»

در هفته های اخیر قیمت کالاها در ایران بالا رفته و قبل از عملی شدن تحریمها که ربطی به اقتصاد ایران ندارد، همه چیز گران شده است. در این میان وضعیت کارگران و مزدبگیران وخیمتر شده است. دولت احمدی نژاد که وعده بردن پول نفت به سر سفره های مردم را داده بود، درآمدهای کشور را برای پروژه هسته ای و صدور تروریسم هزینه می کند. رژیم با سیاست ضد مردمی خصوصی سازی در مدار خودیها و رانت خواران، واحدهای تولیدی مثل نساجی یا سابقه های بیش از ۵۰ سال را به نابودی کشیده شده است. کارگران ایران خواهان امنیت شغلی، کار، و بهبود وضعیت خود هستند و خبرهای خوش هسته ای شکمهای گرسنه فرزندان آنها را پر نخواهد کرد. به گزارش ایلنا یکشنبه ۲۴ دی، علیرضا محبوب نماینده رژیم در مجلس، گفت: «۳ هزار و ۶۰۰ واحد نساجی موجود بیش از ۹۰ درصد آنها در آستانه تعطیلی و نیمه تعطیلی هستند.»

در این وضعیت فاجعه بار اقتصادی حاکم بر زندگی مردم، احمدی نژاد روز یکشنبه اول بهمن ادعا کرد: «پیشرفت و عدالت لازم و ملزوم یکدیگر هستند و ما پیشرفت بدون عدالت یا بر عکس آن را نمی خواهیم.» وی افزود: «دشمنان به

در ماه گذشته باز هم شاهد اخراج کارگران شرکت کننده در حرکتی اعتراضی از طرف مدیران واحدهای تولیدی بودیم.

کارگران معترض کارخانه «پروفیل پارس» توسط کارفرمای این واحد مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

عده ای از کارگران ریسندهای «پردیس» در سنج در پی آمد اعتراضهای کارگری در شهریور ماه در این واحد تولیدی، از کار اخراج شدند. به گزارش خبرگزاری کار ۳ دی، یکی از کارگران اخراجی این واحد نساجی گفت: «در پی اعتصاب شهرپور کارگران ریسندهای «پردیس» سنج در پی آمد اعتراضهای کارگری، روند اخراج کارگران این واحد همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارش رسانه های این استان، طی ۳ ماه اخیر، ۷ نفر از کارگران این واحد رسندگی اخراج شده اند.

کارگران اخراج شده ریسندهای پردیس بار دیگر روز دوشنبه ۴ بهمن در مقابل اداره کار کردستان همایش اعتراضی بر پا کردند. کارگران شرکت کننده در این تجمع اعتراضی اعلام کردند تا زمان بازگشت به سر کارشان و تامین خواسته هایشان به اعتراض خود ادامه می دهند.

کارگران واحد نساجی کردستان برای چندمین بار روز دوشنبه ۱۱ دی، در مقابل ساختمان اداره کل کار استان تجمع اعتراضی نمودند. بر اساس گزارش ایلنا روز یکشنبه ۱۰ دی، ده نفر از کارگران خدماتی دانشگاه علوم پزشکی کردستان از کار اخراج شدند. دبیر کانون شوراها اسلامی کار کردستان تعدادی از این اخراجها را «اتهام عدم التزام عملی به احکام اسلامی» دانست.

در حالی که حقوق کارگران به میزان بسیار ناچیزی بالا رفته، نهادهای دولتی در سیستان و بلوچستان اعلام کرده اند که به دلیل «تغییر بودجه پرداخت دستمزد کارگران»، آنها قادر به پرداخت دستمزد کارگران نیستند. به گزارش ایلنا پنجشنبه ۲۳ دی، در سیستان و بلوچستان، صدها کارگر شاغل در نهادهای دولتی از هشت ماه پیش حقوق و مزایا نگرفته اند.

روز دوشنبه ۲۶ دی کارگران نساجی کردستان «شاهو» و «آلومین» روز ۲۲ دی در محل روابط کار اداره کل کار کردستان تجمع اعتراضی نمودند. خبرگزاری ایلنا تعداد شرکت کنندگان را ۲۵۰ نفر اعلام کرد.

روز شنبه ۲۴ دی، کارگران خیاز در بجنورد در محل فرمانداری خواستار افزایش دستمزد خود شدند.

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

به گزارش روز ۱۰ دی رادیو بی بی سی «بیش از هزار تن از اندیشمندان و روشنفکران فرانسوی» با انتشار بیانیه ای از رهبران اروپا خواستند تحریمهای همه جانبه ای را علیه جمهوری اسلامی سامان دهند.

در بیانیه روشنفکران فرانسوی آمده است «دولتهای اروپایی باید با برپا کردن مجموعه ای از تحریمها در پیوند با فروش جنگ افزار به ایران قطع سرمایه گذاری در نهاد های اقتصادی جمهوری اسلامی و به کار گرفتن تدابیر تنبیهی در رابطه با برنامه های موشکی و اتمی رژیم تهران در جهت متوقف ساختن تهدید برخوایسته از جمهوری اسلامی ایران گام بردارند.» در گردهمایی بزرگی که نمایندگان این هزار روشنفکر و اندیشمند فرانسوی در شهر پاریس برگزار کردند آقای الی ویزل برنده ی جایزه ی صلح نوبل سخنانی در پشتیبانی از خواست آنان ایراد کرد.

قبل از تصویب قطعنامه اخیر نیز در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۸۵ (۹ دسامبر ۲۰۰۶) ۱۵۰ تن از نمایندگان مجلس فرانسه از تمامی احزاب چنین خواسته ای مطرح کرده بودند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه ۱۵۰ نماینده از حزب سوسیالیست (چپ)، حزب کمونیست (چپ)، سبزها (چپ)، اتحاد جنبش مردمی (راست) و اتحاد برای دموکراسی (راست) طی طوماری خطاب به ژاک شیراک از او خواستند که: «لحن خود را در مورد گسترش هسته ای رژیم ایران سختتر کند». این نمایندگان از رئیس جمهور فرانسه خواستند که: «به مناسبت بحثهایی که در شورای امنیت ملل متحد در رابطه با تهدید ایران صورت گرفته»، «فرانسه خود را در کمپ کشورهای ثبت نام کند که بدون هیچ ابهامی مکانیزم غیر قابل انعطاف گسترش اتمی را مورد مجازات قرار می دهند.» امضا کنندگان این طومار از جمله پاتریک بلوش (سوسیالیست)،

برنارد دوبره (اتحاد جنبش مردمی)، رودی سال (اتحاد برای دموکراسی)، ماگزیم گرمتر (کمونیست)، فرانسوا سواده (سختگوی اتحاد برای دموکراسی)، ایو کوشه (سبزها)، آرنو مونتیورگ (سوسیالیست) و آنیک لویوتی (سوسیالیست) می باشند.

روشنگریهای مستدل در مورد اهداف استبداد مذهبی حاکم بر ایران و نشان دادن این که رژیم ایران نمی تواند مردم ایران را نمایندگی کند و باید در گام اول به طور قاطع مورد تحریم سیاسی قرار گیرد، جبهه طرفداران فشار بر حکام ایران را قویتر می کند. ما باید برای هر انسان واقعا صلح طلب که برای جلوگیری یک فاجعه زیانبار تلاش می کند روشن کنیم که اولاً نظام حاکم بر ایران اولین نقض کننده حق حاکمیت مردم ایران است و دوماً این نظام و در راس آن آیت الله خامنه ای مسئول اول فجایع کنونی در ایران و فاجعه پافشاری بر ادامه کار بر روی پروژه اتمی است.

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

- ماجرای "انقلاب مداوم" تروتسکی و سر به سر ساییدن چاوز و احمدی نژاد
- به فکر درمان ایدز باشیم
- فوروم اجتماعی، از حرف تا عمل
- عدالت در آمریکا، چرا ریچارد فورد خوب بود و صدام بد؟
- چین لگام گسیخته
- پیوستن رومانی و بلغارستان به اتحادیه اروپا به سود کدامیک؟

ماجرای "انقلاب مداوم" تروتسکی و سر به سر ساییدن چاوز و احمدی نژاد



در ماه جاری، احمدی نژاد، رییس جمهور مالاها، به آمریکای لاتین سفر کرد تا به ظاهر در مراسم تحلیف ریاست جمهوری اکوادور شرکت کند. بگذرید نگاهی به چگونگی کلاهی که "سوسیالیست" های آن طرف، بر سر رییس جمهور جمرکانه، این طرف، نهادند، افکنده باشیم.

سفر یرهزینه احمدی نژاد به آمریکای لاتین و بذل و بخشش او به "راهزنان کاراییب" که از شاهکارهای تازه سیاست خارجی دولت نهم محسوب می شود، چندان مفتضحانه بود که حتی صدای اعتراض خودیهای جمهوری اسلامی را نیز بلند کرد. این اقدام آنچنان بی برنامه گی و ولنگاری رژیم را آشکار کرد که حتی عده ای از نمایندگان مجلس ارتجاع نیز ناچار شدند احمدی نژاد را برای قولهای سخاوتمندانه اش به زیر سوال ببرند.

تنها به عنوان نمونه، اکبر اعلمی، نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی، از رییس مجلس خواست که به آقای احمدی نژاد تذکر دهد که "در شرایط کنونی، تقدیم بودجه به مجلس مهم تر از سفر خارج است."

بنا بر گفته برخی دیگر، این سه کشور (ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه) "نه متحدان سیاسی، نه متحدان عقیدتی و نه هم پیمانان دارای منافع مشترک با ایران" هستند و یا "همه ی کشورهای عربی و اسلامی این روزها بدترین روابط دهه های اخیر را با ایران دارند؛ در حالی که ایشان (احمدی نژاد) برای احیاء محور سوسیالیستی - کمونیستی آمریکای لاتین، ملت مسلمان و بزرگ ایران و تاریخ آن را هزینه آنان می کند." دلواپسیها و تردیدهای نمایندگان مجلس ارتجاع البته بیشتر ناشی از موقعیت نامناسبی است که اکنون سیاستهای داخلی و خارجی دولت نظامی - امنیتی را از هر سو تحت فشار و تهدید قرار داده است. آنها در واقع به منافع مردم نمی اندیشند بلکه برای جا خوش کردن در حکومت و حسابهای بانکی خود نگرانند.

احمدی نژاد در سفر به آمریکای لاتین، ضمن امضا ۱۱ قرارداد با چاوز که به تازگی عقد "برادری" با او بسته است، متعهد شد که دو کشور صندوقی با موجودی ۲ میلیارد دلار برای کمک به کشورهای مخالف آمریکا ایجاد کنند. او همچنین به اورتگا قول ارایه لایحه ای به مجلس ارتجاع را داد که در آن بدیهیهای قبلی نیکاراگوئه بخشوده می شود؛ امری که بیشتر معنی باج دهی حکومت منزوی مالاها برای دوست یابی را دارد تا اقدامی ضد امپریالیستی! دستاوردهای حکومت مالاها برای مردم ایران، از سطح فقر و فساد، ورشکستگی، سیاسی و اقتصادی به همراه سرکوب و نقض حقوق بشر در داخل، ماجراجویی و دامن زدن به جنگ در خارج و ساخت بمب اتم فراتر نمی رود. حال ببینیم دوستان آمریکای لاتینی ولایت فقیه در چه موقعیتی قرار دارند.

در مراسم تحلیف رییس جمهور جدید اکوادور در کیتو، پایتخت این کشور، چاوز، رییس جمهور ونزوئلا گفت: "هر چه خصوصاً سازی شده بود ملی، خواهد شد" و "ما به سوی سوسیالیسم می رویم." او همچنین ادعا کرد که معتقد به "انقلاب مداوم" تروتسکی است.

از سوی دیگر، رییس جمهور تازه اکوادور، رافائل کورا، اعلام "انقلاب رادیکال" کرد و بر نوع "سوسیالیسم نو" بی که بر سراسر منطقه گسترش پیدا کرده است، تأکید نمود. او در ادامه، در زمینه پرداخت بدیهیهای خارجی و قراردادهای نفتی و تعطیل پایگاههای نظامی آمریکا، تهدیدهایی نیز کرد. کورا ضمن سخنان خود خطاب به جمعی که شامل ۱۷ نفر از سران کشورها شامل لولا، رییس جمهور برزیل، ارتگا از نیکاراگوئه، مورالس از بولیوی و احمدی نژاد رییس جمهور مالاها بودند، گفت: "انقلاب شهروندان" تازه شروع شده است.

چاوز را بی اهمیت دانسته و می نویسد: "ما احساس نمی کنیم که چاوز تصمیم به حذف بخش خصوصی داشته باشد."

روزنامه فاینشیشال تایمز در باره رشد بخش خصوصی در ونزوئلا که دو برابر رشد بخش ملی است می نویسد: "به طور سنتی بانکداران هنگام انقلاب به جوخه های اعدام سپرده می شوند اما در ونزوئلا آنها به مهمانی رفته اند." این روزنامه می افزاید، نه تنها بانکهای خصوصی داخلی بلکه، بانکهای بین المللی و به ویژه سویسی، روی گشاده دستی "انقلابی" پول نفت و "انقلاب حساب باز کرده اند."

از طرف دیگر و تا آنجا که به مردم ایران مربوط می شود، چپاول ثروت مردم ایران از راه به بازی گرفتن احمدی نژاد و امضا قراردادهایی که از جیب آنها و به قیمت حراج دارایی مردمی که بیش از ۷۰ درصد آنان زیر خط فقر زندگی می کنند نیز قابل توجه نیست.

رها شدن از سلطه امپریالیسم با سازماندهی طبقه زحمتکش و اتحاد آنان با زحمتکشان جهان برای رهایی از استثمار سرمایه داری میسر می شود نه با حفظ نهادهای کهنه ی چپاول مردم زحمتکش خودی و کشورهای دیگر!

به نظر می آید که آقای چاوز در ادعای خود مبنی بر اعتقاد به نظریه "انقلاب مداوم" تروتسکی، از خواندن جلد کتاب فراتر نرفته است. به همین دلیل هم فصل "انقلاب مداوم تجدید بنای کشور است تحت رهبری پرولتاریا" را هنوز مشاهده نکرده است.

به فکر درمان ایدز باشیم

در سال گذشته، ۲۰۰۶، تعهد و انرژی بسیاری از افراد و گروه ها در تلاش برای حل بیماری مرگزی ایدز، نتیجه ای چندان رو به جلو نداشت. این در حالیست که امکان و امید به دنیای بدون ایدز هنوز دست یافتنی است. هنوز می توان گفت، می شود دنیایی عاری از این بیماری داشت، مشکل اما در چیست؟ واقعیت تراژیک این است که رهبران حکومتهای جهان به جای پاسخ جدی به نیازها در این رابطه، بدان پشت کرده اند.

بیماری ایدز در حال حاضر به بدترین بیماری مسری که تاکنون بشریت را مورد حمله قرار داده، تبدیل شده است. بنا به گزارشی از جانب سازمان جهانی غذا، چنانچه به طور جدی و گسترده ای در این باره اقدام نشود، تا سال ۲۰۳۰ نزدیک به ۱۲۰ میلیون نفر قربانی این بیماری خواهند شد.

بقیه در صفحه ۶

بدون شک می توان گفت که در آمریکای لاتین تحولی سیاسی به وجود آمده است. بخش مهمی از این تحول در اثر سیاستهای تخریب گرانه خصوصی سازی و بازار آزاد آمریکای شمالی و همچنین ماجراجوییهای نظامی دولت بوش بوده است. در نتیجه، کاندیداهای احزاب راست سنتی، در انتخابات از کاندیداهایی که خود را "چپ" می دانستند شکست خورده اند. این کشورها که غیر از ونزوئلا، اکوادور و بولیوی شامل شیلی، پرو، اورگوئه و نیکاراگوئه نیز می شود، با شعارهای مردم پسندانه و ضد "لیبرالیسم نو" و مخالفت با سیاستهای ضد واشنگتن، حمایت مردمی که از نابرابریهای اجتماعی رنج می برند را کسب کردند. پاسخگویی به برخی از نیازهای مردم بسیار فقیر، امید تازه ای را ایجاد کرده است.

با این حال، ادعاهای آنان مبنی بر "سوسیالیسم قرن ۲۱" تو خالی تر از آن چه است که در بوق و کرنا دمیده می شود و در عمل شباهتی به سوسیالیسم مورد ادعای آنان ندارد. آنها نه تنها از مالکیت خصوصی سرمایه داری حمایت کرده اند بلکه، با نهادهای مالی بزرگ مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، همکاری کرده و ارتش و نیروهای سرکوبگر را به شکل سابق، دست نخورده حفظ کرده اند.

تنها با اشاره به یک نمونه می توان به سطحی بودن ادعاهای بزرگ آنان پی برد. چاوز در این مراسم با سرو صدای زیاد از ملی کردن شرکت تلفن این کشور خبر داد. او اما از شرکتی صحبت می کند که تنها به ۱۱ درصد جمعیت خدمات خود ارایه می کند. این کمپانی به هیچوجه تمام انحصار تلفن را در اختیار ندارد.

حتی ادعای ملی کردن برق نیز چندان با واقعیت سازگار نیست زیرا بخش عظیمی از آن از پیش از این در کنترل دو کمپانی دولتی بوده است.

در بخش نفت و گاز طبیعی، ادعای چاوز مبنی بر "ملی کردن" این دو محصول، حتی از سبک ملی کردن دولتهای بورژوا ملی دوران پیشین مانند پرون در آرژانتین یا کاردناس در مکزیک هم عقب تر است. فرستادن نظامیان به میدانهای نفتی بیشتر جنبه فشار برای مذاکره با کمپانیهای فراملیتی نفتی مانند اکزون، مو بیل، کونوکو، شوران و شرکت فرانسوی توتال را دارد. شرکتهای بزرگ نفتی به این دلیل حاضر می شوند در این مذاکرات شرکت کنند که می خواهند جایگاه خود را حفظ کنند حتی اگر به این معنی باشد که در کسب منافع سرشاری که نصیب شان می شد، کمی کوتاه ببینند.

جالب توجه است که در این مورد حتی نشریه وال استریت مالی نیز اقدامات

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۵

در سال گذشته، ایدز به طور گسترده و جدی در جهان گسترش یافت. در نتیجه، اکنون ۳۹/۵ میلیون نفر مبتلا به میکروب اچ ای وی هستند. این در حالیست که تنها در یکسال، ۴/۳ میلیون نفر به شمار مبتلایان به این بیماری افزوده شده است و همزمان، نزدیک به ۳ میلیون تن جان خود را از دست داده اند. بیش از ۴ درصد مبتلایان جدید را جوانان تشکیل می دهند.

بر طبق گزارشات، سال گذشته شیوع ایدز رشدی جهانگیر داشته است. کشورهای آسیای شرقی، اروپای شرقی و آسیای مرکزی بیشترین رشد در این زمینه را داشته اند. با این حال هنوز آفریقا با داشتن دو سوم تعداد مبتلایان، رکود را در دست دارد. زیمبابوه با داشتن ۲۰ درصد از جمعیت مبتلا به ایدز، دارای بدترین وضعیت می باشد.

داروی "آر وی آرز" نیز به دلیل دشواری دسترسی به آن نتوانسته است درمانی اساسی باشد. تنها ۱۶ درصد از مبتلایان توانسته اند از این دارو بهره مند شوند.

در چین و هند بیماری ایدز غالباً از راه آمپولهای مواد مخدر و یا سکس منتقل شده است.

در آمریکای لاتین ۱/۷ میلیون نفر مبتلا وجود دارد که اکثر آنان در برزیل، آرژانتین و کلمبیا و مکزیک زندگی می کنند. در افغانستان نیز رشد رو به بالای این بیماری چشمگیر بوده است.

این بیماری در اروپای شرقی و آسیای مرکزی در طول یک دهه ۲۰ درصد رشد را دارا بوده است. در این مناطق که شامل بسیاری از کشورهایی که عضو اتحاد جماهیر شوری نیز بودند می شود، پس از فرو پاشی و شرایط اجتماعی و اقتصادی فاجعه بار بر آمده از تسلط سرمایه داری و در نتیجه رواج فقر، ایدز به طور گسترده تری شیوع یافت. فقر در میان جوانان سبب گشت که یک سوم مبتلایان تازه را جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ ساله تشکیل دهند.

در غرب، به دلیل دسترسی بیشتر به درمان و پیشگیری، شرایط بهتری وجود داشته است. با این حال، کشورهای غربی نیز شاهد افزایش ۵ هزار نفری مبتلایان جدید بوده اند.

۲۵ سال پس از شروع شیوع میکروب اچ ای وی به سراسر جهان، با رشد تعداد مبتلایان به ایدز، مردم جهان شاهد فاجعه ای بزرگ هستند.

در جستجوی دلایل باید به آمار بنگریم. برای نمونه، نیم میلیون کودک مبتلا به ایدز شده اند زیرا مادران آنها از دسترسی به داروهایی که از انتقال میکروب به کودکانشان جلوگیری می

کند، محروم بوده اند. بدون شک اگر این کودکان درمان نشوند نیمی از آنها تا سال ۲۰۰۸ جان خود را از دست خواهند داد

تنها با نگاهی به آمار مرگ و میر و شرایط انسانهای مبتلا به این بیماری، به اثرات فاجعه بار سیستم سرمایه داری که بر پایه منافع مالی است، بی خواهیم برد.

بنا به گفته یک پزشک فعال در سازمان اتحاد جهانی علیه ایدز، دکتر پال زیتر، "رشد و شیوع بیماری، سرعت بیشتری از تلاشهای جهانی علیه آن دارد."

در مجموع با تلاشهای پیگیر کوشندگان در این زمینه، هنوز رهبران کشورها با وجود قولهایی که داده اند، تلاش کافی برای رفع این تراژدی انسانی نکرده اند.

یکی از مهمترین وظایف مدافعان حقوق بشر در حال حاضر تلاش برای نجات جان این انسانها با فعال شدن در امور مربوط به آنها می باشد.

برخی از سازمانهای که می توان در آن فعال بود را در زیر مشاهده می کنید:

<http://www.one.org>

<http://www.afaids.org>

<http://www.planusa.org>

فوروم اجتماعی، از حرف تا

عمل

در ماه ژانویه امسال، بیش از ۱۵۰ هزار نماینده از بیش از صد کشور جهان در فوروم اجتماعی جهان که در نایروبی، پایتخت کنیا برگزار می شود، شرکت خواهند کرد.

از هم اکنون برخی از برگزارکنندگان و شرکت کنندگان در باره موثر بودن این فوروم در تردید هستند. به نظر می رسد که فوروم اجتماعی به لحاظ امکانات در زمینه ارتباطات پیشرفته تر و آماده تر است تا دارا بودن یک استراتژی و تمرکز جدی برای حل مسائل.

خانم باربارا کلیما، یک تحلیلگر سیاسی که استراتژیست کاهش فقر در جهان است در این باره می گوید: "می شود از یک برنامه یا سخنرانی به دیگری رفت و به تمام شکایتها گوش داد و هیچگونه نتیجه مثبتی هم نگرفت" زیرا "صدای ما پراکنده است."

اما با اینهمه، یک گروه بیش از همه به فوروم امسال دلبنسته و با نگاه امیدوارانه بدان می نگرد. این گروه همان میزبانان فوروم یعنی، شهروندان کنیایی هستند. آنها مشتاق هستند تا ببینند چگونه حضور سازمانهای اجتماعی می تواند به دموکراسی در کشورشان یاری رساند.

به گفته برخی همین مساله و در کل موضوعات مربوط به آفریقا می تواند بهترین موضوع برای فوروم باشد. به همین دلیل برگزار کنندگان فوروم گرد محور که شامل بیماری ایدز، زنان،

خصوصی سازی امکانات مورد نیاز عمومی، فقدان زمین، صلح، درگیریها، مهاجرت، خاطرات مردم و مبارزات آنان، جوانان، بدهیها، معاهدات بازار آزاد، کار و مسکن می باشد، متمرکز شده اند.

از مهمترین موضوعات مورد بحث فوروم، بیماری ایدز خواهد بود که بدون شک حد ترین مشکل آفریقا می باشد. جنگ و کشمکشهای بین کشورهای آفریقایی که اکنون مبرم ترین آنها رویدادهای سوماتی، جمهوری دموکراتیک کنگو و سودان است نیز مورد بررسی قرار می گیرد.

با این همه، پس از گذشت ۷ سال از شروع پدیده ای به نام فوروم، شرکت در فوروم و برگزاری آن بیشتر به حرف انجامیده تا اقدامی عملی. بحثها در باره اینکه فوروم باید در پی ایجاد برنامه و هدفی سیاسی باشد از سال گذشته همچنان بی نتیجه روی میز مانده است.

خانم کلیما، یک فعال فوروم در این باره می گوید، فوروم تا کنون بین مردم عادی نرفته است و به عبارتی اجتماعی نشده. او می افزاید: "اگر امروز در خیابان راجع به فوروم با مردم صحبت کنیم، امکان اینکه یکبار هم این نام به گوش اکثر آنان نرسیده باشد وجود دارد."

عدالت در آمریکا، چرا ریچارد

فورد خوب بود و صدام بد؟

ریچارد فورد، سی و هشتمین رییس جمهور آمریکا، در سن ۹۳ سالگی از جهان رفت. مراسم تدفین این سیاستمدار فاسد که کمر خدمت به دستگاه سرمایه داری آمریکا بسته بود، با سرو صدا و تشریفات اغراق آمیزی برگزار شد.

رسانه های آمریکایی در همان هنگام که مردم شاهد خلق آویز شدن صدام به شکل غیر انسانی و تهوع آوری بودند، با بوق و کرنا تشریفات به خاک سپاری فورد را به نمایش گذاشتند.

۳۰ سال پیش بود که این رییس جمهور غیر منتخب، با استعقای نیکسون به کرسی ریاست رسید. در این سالها او زندگی خود را بی عمل و گمنام گذراند اما به یکباره مرگ او بهانه ای بدست بوش و یاران داد تا پرچم وطن پرستی را بالا بکشند.

اگر بشود فورد را تنها با یک واقعه به عنوان مهمترین رویداد زندگی او به یاد آورد، همان است که درست یک ماه پس از به ریاست رسیدن، دستور "عفو کامل نیکسون برای هر جرمی که مرتکب شده یا نشده باشد" را صادر کرد. بدینوسیله نیکسون که مرتکب

قانون شکنی و جاسوسی از شهروندان آمریکایی و سوواستفاده از قدرت برای اعمال غیر قانونی شده بود و از همه مهمتر، در سال ۱۹۶۹ بدون اطلاع و مجوز کنگره به صورت غیرقانونی اقدام

به بمباران کامبوج کرده بود، توانست بدون هیچ پیامدی وارد دوران بازنشستگی خود شود.

جرمهایی شبیه به این را نیز امروز جورج بوش مرتکب شده است که از جمله جنگ غیر قانونی در عراق، بازداشتهای غیر قانونی و شکنجه اسیران را شامل می شود. جالب آنکه این اعمال توسط همان کسانی که به فورد بسیار نزدیک بودند یعنی، دیک چینی و دونالد رامسفلد، برنامه ریزی و حمایت شده است.

بی دلیل نیست که جسد فورد را آنقدر دست به دست گردانند تا حداکثر تبلیغات را با مرده او به نفع بوش و یارانش کرده باشند.

چین لگام گسیخته

نمونه ای از وحشیگری حکومت طبقاتی چین را این بار می توان در واقعیت مخوفی که به تازگی در این کشور به سطح آورده شد، مشاهده کرد.

سرانجام پس از سالها انکار، دولت چین به فروش اعضای بدن اعدامیان اعتراف کرد. معاون وزیر بهداشت این کشور گفت، غیر از استفاده از اعضای بدن افرادی که در تصادفات کشته می شوند، اعضای بدن زندانیان اعدام شده نیز به همین صورت مورد استفاده قرار می گرفته است.

اگر چه طبق قانون در صورت موافقت فرد اعدامی و یا خانواده او استفاده از عضو بدن قانونی است اما اینکه چه کسانی آنرا دریافت می کنند، سووال اصلی است. بسیاری از پیوندهای اعضا بدن در بیمارستان ارتش صورت می گیرد؛ جایی که خارج از کنترل مردم است. ارتش چین (ارتش آزادیبخش خلق چین)، بدون هیچگونه کنترلی سالیانه که به منظور تامین برخی از مخارج خود، برای تجارت اعضا بدن آزاد گذاشته شده است.

در واقع پدیده ای به نام "توریسم پیوندی" امری عادی در چین به نظر می رسد. به گفته وزیر بهداشت، همه ساله خارجیهای ثروتمند با ویزای توریستی برای پیوند اعضا بدن به چین سفر می کنند. این در حالیست که سالانه میلیونها نفر از مردم چین به پیوند اعضا بدن احتیاج دارند اما تنها ثروتمندان کشور بدان دسترسی پیدا می کنند.

پزشک یک بیمارستان سرشناس در این باره فاش می کند که برای خرید و فروش عضو بدن حتی تبلیغ می شده است. اکثر خریداران افراد خارجی هستند که پولهای کلانی بابت آنها می پردازند.

چین دارای سیستم اهدای داوطلبانه عضو بدن نیست و ۹۰ درصد نیاز را از بقیه در صفحه ۹

شعله های بحران بنیان سوز

جعفر پویه

نفت به عنوان متعادل کننده بازارهای کلان بورس، کاربردی چند گانه دارد. بدیهی است که

چنین کالایی نمی تواند تنها به عنوان کالای تجاری مورد نظر قرار گیرد. با توجه به نقش تاثیر گذار آن بر زندگی روزمره جهان، نه تنها حیات اقتصادی بسیاری از کشورها بدان وابسته است بلکه، موجودیت سیاسی بسیاری نیز تحت تاثیر آن قرار دارد. یعنی، اگر یکی از تولید کنندگان بزرگ بخواهد از این کالا به عنوان اهرم فشار یا اسلحه استفاده کند، قادر خواهد بود تا نقش عمل کننده این "اسلحه- کالا" را به خوبی نشان دهد. به همین دلیل است که دیگر سیاست سازان و رهبران کنونی جهان حاضر نیستند چنین اسلحه ای را به دست کسانی بپردازند که در صورت سرپیچی و یا نافرمانی آنها، مشکلات فراوانی برایشان ببار آورد.

اقدام اولیه برای برداشتن چنین گام بلندی، برنامه ریزی بلند مدت است. ابتدا باید از خاورمیانه بزرگ و محلی که بخش اعظم نفت جهان را تولید می کند شروع کرد. دستمایه چنین سیاستی در ابتدا دموکراسی است. زیرا دولتهای حاکم در منطقه، خرده دیکتاتورهای هستند که از قبیله های با قواید و قوانین عهد بربریت برخاسته اند و همان پیمانهای بیابان نشینی خود را بر سرنوشت مردمی حاکم کرده اند که در قرن بیست و یکم زندگی می کنند. حاکمان این منطقه با پرداخت رشوه و حق حساب به صاحبان کمپانیهای بزرگ و واگذار کردن قراردادهای نان و آب دار، از امکانات و موقعیتهای این شرکتها در کشورهای مقصد استفاده کرده و پایه های حکومت خود را محکم می کنند. اما با وارد شدن جهان به موقعیت جدید و جهانی شدن سرمایه و تبعیت آن از یک مرکز تصمیم گیری، دیگر امکان این زد و بندها به حداقل رسیده است و ابر کمپانیها با مشکلی روبرو شده اند که حاصل رشد و بزرگ شدن سرطانی سرمایه هاست. ملتیهایی که در قرن جدید با دستیابی به ابزارهای ارتباطی همچون رادیو، تلویزیون و اینترنت آگاهی شان بالا رفته است، دیگر حاضر به تمکین از دولتهای منطقه ای و دست آموز ابر کمپانیها نیستند. آنها دیگر سرکوب و خفقان حاکمان جابر را بر نمی تابند و سر به شورش بر خواهند آورد. بنابراین با دانستن چنین موضوعی، مراکز گفتمان سازی غارتگران بیکار ننشسته و با شناختی که از این مناطق دارند، طرحهای بزرگی را به دست اجرا گرفته اند. دموکراسی کلمه مسلط همه این گفتمانهاست. یا به زبان دیگر، طرح

خاورمیانه بزرگ با دموکراسی شروع می شود. حاکمان مستبد وادار به برگزاری انتخابات می شوند و شکلی بی خطر از آزادی که بتواند منافع دراز مدت آنها را تامین کند، در دستور قرار می گیرد. طرحی که همه خاورمیانه را همچون سرپناهی در سایه خود می کشد و از تابیدن آفتاب آزادی بر آن جلوگیری می کند؛ سرابی که واقعیت نمایانده می شود و کاریکاتوری که بدل از اصل را به خورد مردم می دهد. عراقی که صدام حسین بر آن فرمان می راند، از ظرفیت بالایی برخوردار بود. مردمی تحصیل کرده، دانشگاه هایی با استانداردهای بالا و سیستم بهداشت خوب، این ویژگی را توضیح می داد. افزوده بر آن، امکاناتی همچون آب و برق و گاز به اندازه کافی در دسترس مردم قرار داشت. چنین مردمی با چنین رشد اجتماعی را نمی شد به راحتی از حلقوم پایین داد. اگر به مردم عراق (بدون این خرابیهای پس از جنگ) بخواهند آزادی بدهند، حد و اندازه آن چقدر خواهد بود؟ یعنی همان چیزی که در عربستان به خورد مردم داده می شود در عراق هم قابل قبول خواهد بود؟ بی دلیل نیست که هرچه صدام عقب نشینی کرد و گفت که همه قطعهنامه ها را می پذیرد و هرچه آنها بگویند انجام خواهد داد اما هیچ کدام مورد قبول واقع نشد. گفته می شود جرج بوش با صدام خصومت شخصی داشت، آیا چنین بهانه ای را یک کودک عراقی هم باور خواهد کرد؟ هیچ کدام از این حرفهایی که با دلیل از نگاههای خیر پراکنی و گفتمان سازی پخش می شود صحیح نیست. علت این کار بزرگتر از آن چیزی است که بتوان اندازه آنرا در سطح یک کینه شخصی پایین کشید.

اما با همه این حرفها، به عراق حمله شد و رژیم جمهوری اسلامی که صدور انقلاب اسلامی خود را در دستور داشت، بهترین موقعیت را برای خود یافت. صدور انقلاب یکی از دلایل جنگ هشت ساله بین دو کشور بود که به توصیه بنیانگذار آن در دستور قرار گرفته بود. رویای خلافت اسلامی که ذهن همه پایوران رژیم را اشغال کرده بود، باعث گردید که با آمریکا همکاری کنند تا عراق به اشغال آنها در آید. کاری که در هشت سال جنگ خانمانسوز موفق به انجام آن نشده بودند. به زبان دیگر، جمهوری اسلامی یکی از مشوقان آمریکا برای حمله به عراق است. سند سازی و از طریق احمد چلبی در اختیار قرار دان آنها برای توجیه حمله، کاری است که وزارت اطلاعات رژیم ملایان برای آمریکا و انگلیس کرده است و امروز دیگر همگان به این موضوع واقف هستند. زمانی که میلیونها نفر از شهروندان صلح دوست کشورهای مختلف در خیابانها علیه حمله به عراق تظاهرات

می کردند، رژیم ملایان با آمریکا همکاری می کرد تا به عراق حمله ور شود. یعنی، رژیم در عمل در جبهه جنگ طلبان و بر خلاف نظر میلیونها نفر از شهروندان جهان عمل می کرد. ایران تنها کشوری بود که در آن علیه جنگ تظاهراتی به وقوع نپیوست زیرا رژیم آن در تلاش باز کردن پای آمریکا و متحدینش به منطقه و برافروختن آتش جنگ در همسایگی کشور ما بود. نه تنها در عراق بلکه، در افغانستان نیز آنها با آمریکا همکاری کردند و خانه و کاشانه هزاران خانواده افغانی را با خاک یکسان کردند. دست حاکمان تهران نیز همراه با ارتش آمریکا و انگلیس به خون مردم این دو کشور آلوده است.

به هر حال، وضعیت عراق فرصتی را در برابر رژیم ملایان قرار داد تا از موقعیت به وجود آمده حد اکثر بهره برداری را بکند. مجلس اعلاهی انقلاب اسلامی عراقی با یک ارتش مسلح به نام "سپاه بدر" و دیگر دارو دسته های مذهبی ای که سالها توسط سپاه پاسداران آموزش دیده اند را به عراق گسیل کرد تا انقلاب اسلامی را به عراق ببرند. هم پیمانی با جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی و مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق نیز باعث گردید تا در دیزی برای آنها زیاده از حد باز بماند. حمایت از مقتدا صدر، فرزند آیت الله صدر، با برپایی "لشکر مهدی" و قتل و کشتار سنیها، نمونه دیگری از دخالت در عراق است. همزمان با این جریانات با اشغالگران همکاری نیز می کنند اما در حقیقت سعی دارند تا با بدست آوردن همه قدرت، عراق را مال خود کنند. رژیم ملایان چشم خود را به روی انگیزه حضور آمریکا در منطقه بست و در ابتدا رفسنجانی و سپس رهبران رژیم یکی پس از دیگری عراق را گردابی برای آمریکا معرفی کردند و سعی داشتند تا او را در آن غرق کنند. به همین دلیل در کنار همکاری با آنها، تلاش می کنند آشوب را نیز دامن بزنند و با ناتوان نشان دادن آمریکاییها، آنها را وادار کنند تا از عراق با آبروریزی خارج شوند.

همزمان، در لبنان حزب الله را از یک جریان کوچک تبدیل به یک نیروی تاثیر گذار کردند و با بالا کشیدن فتنه زد و خورد در فلسطین و لبنان سعی کردند تا قدرت منطقه ای خود را به رخ بکشند. غافل از اینکه این نمایش قدرت طناب داری خواهد شد بر گردن خود آنها، زیرا اگر به دلیل حضور ارتش آمریکا و متحدینش در منطقه توجه داشتند، هرگز تا این حد خود را تبدیل به یکی از موانع بی ثباتی منطقه نمی

بقیه در صفحه ۸

شعله های بحران بنیان سوز

بقیه از صفحه ۷ کردند. اکنون درگیریهایی عراق از مرز داخلی و محدود خود خارج شده است و آمریکاییها برای پیدا کردن سر رشته و مرکز ثقل آن، به هر گوشه ای سرک می کشند. دخالتهای بیش از حد عوامل رژیم در عراق و دستگیری آنها یکی پس از دیگری، آمریکا را به این نتیجه می رساند که در برابر رژیم جمهوری اسلامی بیش از این صبوری پیشه نکند زیرا تا کنون یا روی نیروهای کمکی آنها حساب بازی می کرد و یا با چشم پوشی از درگیریهایی قومی و مذهبی، طرفدار ضرب المثل "از هر طرف که کشته شود به سود آمریکاست" بود. اما اکنون دیگر موضوع از این حرفها گذشته است.

حزب الله لبنان سعی دارد تا با ساقط کردن دولت لبنان، قدرت را در آنجا به دست بگیرد. سابقه درگیری و نا آرامیهای بین حزب الله و اسرائیل باعث شده است که به طور جدی تری با این موضوع برخورد شود. حماس با دریافت کمکهای مالی بسیار بالا، دولتی است که با اسرائیل مشکل دارد و نمی تواند در کنار گوش آن همچنان بر سر کار بماند. استعفای فرماندهان نظامی در اسرائیل و زمزمه برای وادار کردن اولمرت به استعفا نشان می دهد که ترکش عملکرد حزب الله تا کابینه اسرائیل نیز نفوذ کرده است. بنابراین، پس از رفو کاری محلهای مشکل دار دولت اسرائیل، باید منتظر یک دور درگیری و کشمکشهای جدی برای تعیین تکلیف با حزب الله بود. حماس در منطقه ای قرار دارد که اسرائیل قادر است با یک سری رفرمهای محلی و دادن امتیاز و کنار آمدن با جریانهای عمل گرای فلسطینی، آنرا از دور حذف کند. آزادی مروان برغوتی، از رهبران زندانی فتح، می تواند یکی از این راه حلها باشد.

جدا از همه اینها، رفتن پرونده اتمی رژیم به شورای امنیت، تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ را در پی آورد. این قطعنامه آغاز یکسری از تحریمهایی است که در صورت ادامه لجبازی رژیم می تواند به جاهایی کشیده شود که مردم را با مشکل اساسی روبرو کند. رجحان خواندنهای پایوران رژیم در برابر آمریکا و کشورهای ۵+۱ و به هیچ گرفتن ارجاع پرونده به شورای امنیت باعث شد که تحریمها آغاز شود. کسانی که تا دیروز عربده می کشیدند و شعار می دادند که هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، اکنون به گوشه دخمه های خود خزیده اند و صدایی از آنها شنیده نمی شود. رهبر و ولی فقیه رژیم یعنی خامنه ای آنچنان خفقان گرفته است که خلیجها فکر کردند مرده است و شایعه مرگ او پخش شد. زیرا ذوب شدگان در ولایت از او انتظار داشتند که در چنین موقعیتی دست به معجزه بزند و کاری انجام دهد اما او ترجیح می دهد همچنان زبان به کام گیرد و در حال حاضر در انتظار ظاهر

نشود تا شاید آنها از آسیاب بيفتند. اما این بار دیگر او کور خوانده است زیرا هرچه از این موضوع بیشتر بگذرد، همچون زخمی است که ناسور تر خواهد شد. او خود خوب می داند که امداد غیبی ای درکار نیست و باید دست به کاری زد... اما چه کار؟ زیرا اولین گام عقب نشینی آغاز راهی است که او باید تا پله آخر آنرا ببیماید. این شتر اکنون در خانه او خوابیده است و آش خاله ای که چه نخورد و چه بخورد، به پای او خواهد بود.

منه های گرفتاریهای بین المللی، در داخل کشور بحران اقتصادی بیداد می کند. گرانی و بیکاری از حد گذشته است و کشوری که دومین ذخیره گاز جهان را داراست، مردمش در سرمای زمستان گاز ندارند. به همین دلیل مجبور شده اند بار دیگر سوخت را سهمیه بندی کنند و به زودی نیز بنزین و گازوییل نیز در سراسر کشور جیره بندی خواهد شد. تورم اقتصادی به حدی است که صدای مجلسیان را نیز در آورده است. افزایش نقدینگی که با برداشت از صندوق ذخیره ارزی انجام شده است، باعث بروز گرانیهای سرسام آور شده است تا جایی که وزیر دولت احمدی نژاد - همان که می خواست پول نفت را سر سفره های مردم ببرد - در پاسخ به گرانی بیش از حد گوجه فرنگی، چشمش را می بندد و دهان را باز می کند و می گوید: "دلیلی ندارد مردم گوجه فرنگی بخورند!"

پاسخهای مشابهی در دیگر بخشها از مسوولین شنیده می شود و دلیل آن در یک جمله، ناتوانی و عدم کفایت کسانی است که در راس امور قرار دارند.

به طور مختصر می شود گفت که رژیم بحران زا و بحران زری اکنون در مرحله ای قرار دارد که بحران از همه طرف او را احاطه کرده است. جمهوری اسلامی که خود مشوق حضور ارتش آمریکا بوده و پایش را به منطقه باز کرده است، اکنون در تیر رس همین ارتش قرار دارد. همکاری رژیم با آمریکا در حمله به عراق و افغانستان به ضد خود تبدیل شده و اکنون او دارد در چاهی می افتد که برای عراق و افغانستان کنده است. رژیم جمهوری اسلامی جنگ طلب بوده و در روزهایی که مردم جهان علیه جنگ عراق در خیابانها شعار می دادند، با جنگ طلبان همکاری می کرد. او خود با تشویق، ارتش آمریکا را تا مرزهای ایران همراهی کرده است. اگر در نتیجه رجز خوانیهایی که با رفسنجانی شروع شد و خامنه ای آنرا تایید کرد و با احمدی نژاد و دار و دسته او باش انصار حزب الله ادامه می یابد، خطری متوجه مردم ایران شود، همه آنها مسوولند. آنها هستند که در سودای خلافت اسلامی در پی بمب اتمی هستند و با پرداخت

جدال "مقامهای ناشناس" بر سر اهداف سفر لاریجانی

منصور امان سفر غیرمنتظره دبیر شورای عالی امنیت ملی مآلها به عربستان که همزمان با دیدار وزیر امور خارجه آمریکا به کشورهای عربی و حوزه خلیج فارس صورت گرفت، در حالی از سوی آقای لاریجانی "بسیار مثبت" ارزیابی شده است که ارگانها، پایوران و "مقامات آگاه" دو طرف، روزهای پُرکاری را در تایید یا انکار اهداف و علتهای انجام آن از سر می گذرانند. هنوز خستگی آقای لاریجانی از عزیمت به دشتهای اطراف ریاض برای ملاقات با ملک عبدالله از تن بیرون نرفته بود که یک "مقام ناشناس" سعودی به خبرگزاری رویترز اطلاع داد، دبیر شورای عالی امنیت مآلها خواستار آن شده است که عربستان تمایل جمهوری اسلامی به همکاری با واشنگتن را به اطلاع این کشور برساند.

اکنون توپ در زمین مقامات "آگاه" و بی نام جمهوری اسلامی بود که نخست ارسال پیام حسن نیت به آمریکا از طریق عربستان سعودی را "به شدت" تکذیب کنند و سپس با همین درجه از حرارت، ارسال نامه از سوی ولی فقیه "نظام" به پادشاه عربستان را "دروغ" بخوانند.

افشای غیر رسمی اخبار محرمانه سفر مقام بلندپایه جمهوری اسلامی و کارزار مطبوعاتی پس از آن، نمی توانست نشانه خوبی از نتایج "بسیار مثبت" گفتگوهای آقای علی لاریجانی در عربستان باشد، گمانه ای که سخنان روز سه شنبه وزیر امور خارجه این کشور، در کنفرانس مشترک مطبوعاتی خود با خانم رایس آنرا تایید کرد. آقای سعود الفیصل تاکید کرد: "ما آرزو می کنیم هیچ مناقشه ای در رابطه با ایران اتفاق نیافتد ولی در هر صورت ما حاضر به ایستادن در میانه این ستیزه نیستیم." خانم رایس نیز اشاره کرد، برنامه هسته ای ایران مشکلی فقط بین آمریکا و ایران نیست و مساله ای بین المللی محسوب می شود.

از گفته های مزبور چنین بر می آید که اقدامات مشخصی که آقای لاریجانی از سوی "نظام" به نشانه "حسن نیت" وعده انجام آن را داده است، با ابعاد بحرانی که رژیم اش با آن دست به گریبان می باشد، تناسب زیادی نداشته است.

دور جدید فعالیت راویان "ناشناس" از هم اکنون برنامه ریزی شده است.

آثار سیاسی صدور

قطعنامه شورای امنیت

منصور امان

آثار تشدید فشار بین المللی بر رژیم مَلاها به تدریج اما با گامهای مطمئن در حال پدیدار شدن است.

روبرو دادن جمهوری اسلامی با نتایج ماچراجویی هسته ای خود که برای نخستین بار از هنگام فاش گردیدن آن در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲ میلادی) صورت گرفته، اختلافات در دستگاه های حکومتی پیرامون چگونگی واکنش به شرایط جدید و تعیین سیاست آتی را دامن زده است. در این راستا، بیش از همه طراحان و مجریان سیاست تقابلی با طرفهای خارجی زیر ضرب قرار گرفته اند و عملکرد آنها مورد انتقاد شدید پاپوران و کارگزاران گوناگون "نظام" واقع شده است.

در همین رابطه، گزارشات منتشر شده از تبدیل جلسه غیر علنی مجلس مَلاها با آقای مَکی، وزیر امور خارجه، به صحنه ی حمله نمایندگان به اقدامات دولت حکایت می کند. به گفته آقای علی عسگری، نایب رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، "نمایندگان به جایگزینی ملاحظات سیاسی به جای ملاحظات امنیتی، فنی و حقوقی به شدت اعتراض داشتند." این اتهامی صریح در مورد بهره برداری از مساله هسته ای در نبردهای جناحی می باشد.

طرح لزوم دخالت دادن "شورای راهبردی سیاست خارجی" و نیز "استفاده از تجارب آقایان رفسنجانی و خاتمی" در جلسه مزبور، شکاف بر سر شیوه مدیریت بحران هسته ای را به گونه کم پیشینه ای به نمایش گذاشته است.

آثار سیاسی قطعنامه، ترمهای جنجالی و خبرسازانه تیم دولت را به همین گونه در بر گرفته است و در این راستا، "مجلس اصول گرا" برگزاری "همایش هولوکاست" در آستانه صدور قطعنامه را "منفی" دانسته و "محکوم" کرده است.

در همین حال، پاسدار رضایی، یکی از سرکردگان باند نظامی - امنیتی نیز ضمن تمجید از "دستاورد های خروج از انفعال در سیاست خارجی"، از باند دولت فاصله گرفته و هشدار داده است: "اقدامات محدود ماجراجویانه می تواند به این دستاوردها ضربه وارد کند که تا دیر نشده باید از این آسیب جلوگیری کرد." دراز شدن آقای احمدی نژاد و دولت وی، پیش بینی پذیرترین اثر قطعنامه در مرحله جمع بندی و برآورد خسارت می تواند باشد. این بحران به عمق نیز نشست خواهد کرد.

۸۵ دی ۸۵

پایان ماراتون مذاکره،

تصویب قطعنامه در

شورای امنیت

زینت میرهاشمی

به دنبال کشاکش چندین ساله بر سر توقف فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی، سرانجام روز شنبه ۲ دی، ۱۵ عضو شورای امنیت ملل متحد به اتفاق آراء بیانیه ای را تصویب کردند که شامل تحریم های اولیه در رابطه با فعالیت های اتمی رژیم ایران می باشد.

اعضای شورای امنیت در ماه اگوست قراری برای توقف غنی سازی و آغاز مذاکره تعیین کرده بودند. رژیم بدون پاسخ مشخص با خرید زمان برای تبدیل تهدیدها به فرصتها تلاش کرد و بارها در لحظه های حساس بحث مذاکره را به پیش کشید و با استفاده از اختلاف بین اعضای شورای امنیت از تصویب قطعنامه جلوگیری کرد.

علیرغم تمامی وعده های شیرین اقتصادی که پاپوران رژیم به کشورهای روسیه و چین دادند، سرانجام قطعنامه با تغییراتی و رقیق شدن بعضی از مواد آن به تصویب رسید. این قطعنامه به دنبال قطعنامه های پیشین شورای امنیت که در آن از جمهوری اسلامی خواسته بود به غنی سازی اورانیوم پایان دهد، صادر شده است. قطعنامه شورای امنیت ملل متحد آغازی برای تحریم های بین المللی و بدون شک استبدادی مذهبی حاکم بر ایران را با بحرانهای جدی روبرو خواهد کرد. گر چه یکدست کردن حکومت و سپردن تمامی قدرت در دست پاسداران و گماشتگان ولایت فقیه، با هدف حل برنامه اتمی به نفع رژیم و کسب نقش بیشتر در اوضاع خاورمیانه است اما این یکدست سازی تا آن جا که به مناسبات بین رژیم و مردم بر می گردد، بعد از شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» و «برو گمشو» توسط دانشجویان پلی تکنیک بی نتیجه شده است.

با تصویب این قطعنامه جمهوری اسلامی با بحرانهای جدی تری روبرو خواهد شد. به همین خاطر رژیم قدرت اخلاکگری خود در منطقه را به رخ جهانیان می کشد. وزارت خارجه رژیم ایران بعد از تصویب قطعنامه طی بیانیه ای بار دیگر بر نقش خود در منطقه تاکید کرد. در بیانیه رژیم آمده است که: «انجام این گونه اقدامات در شورای امنیت، موجب نادیده انگاشتن نقش، جایگاه، نفوذ و تاثیر گذاری جمهوری اسلامی ایران بر تحولات، ثبات و امنیت منطقه یی نخواهد شد.»

۳ دی ۸۵

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۶

میان زندانیان اعدام شده تامین می کند. جالب توجه آنکه، ۶۸ نوع جرم در این کشور دارای مجازات اعدام است، از جمله تقلب های مالیاتی!

به گزارش سازمان عفو بین الملل، چین و ایران از کشورهایی هستند که بیشترین اعدامها در آنها صورت می گیرد. سازمان ملل گزارش بیش از ده هزار نفر اعدام در چین طی یکسال را داده است که بسیار کمتر از آمار واقعی است.

از دیگر نکات قابل توجه آنکه بیشتر افرادی که در این کشور محکوم به اعدام می شوند، از داشتن وکیل مدافع محروم هستند یا هیچگونه تردید در بیگناهی آنان نیست. شکنجه نیز رایج است. اکثر افراد محکوم به مرگ از میان خانواده های فقیر هستند که برای نجات خود و خانواده شان دست به جرم می زنند. مخارج تدفین فرد اعدام شده و گلوله ای که با آن به قتل رسیده را باید خانواده مقتول بپردازد. رژیم چین اعدام را به عنوان وسیله ای برای به وحشت انداختن و تهدید افراد مخالف برگزیده است. همزمان، برای کاهش مخارج اعدام، از کشتارگاه های سیاری به نام "واگن مرگ" استفاده می کند تا در محلات فقیرنشین شهرها و روستاها، متحمل مخارج حمل و نقل زندانیان نشود.

پیوستن رومانی و بلغارستان به اتحادیه اروپا به سود کدامیک؟

با الحاق دو کشور رومانی و بلغارستان به اتحادیه اروپا در اولین روز ژانویه ۲۰۰۷، توسعه به سمت شرق به پایان رسید. بیشتر در سال ۲۰۰۴، ده کشور که اکثرا از شرق اروپا بودند، به این اتحادیه پیوسته بودند.

البته پذیرش دو کشور مذکور به اتحادیه اروپا با میل و رغبت کامل صورت نگرفت. اگر چه اعضا اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ در باره این امر به توافق رسیده بودند اما بسیاری مایل بودند که بیشتر به تعویق بیفتد. عجله و فشار برخی از دولت ها و کمپانیها در تحقق سریعتر این امر بیشتر به لحاظ منافع استراتژیک جغرافیایی و اقتصادی بود.

اتحادیه اروپا مایل بود که نفوذ خود را از این راه به مرزهای اتحاد جماهیر سابق و کشورهای بالکان توسعه دهد. با پذیرش رومانی و

بلغارستان، مرزهای اتحادیه اروپا اکنون به دریای سیاه که راه دریایی برای نقل و انتقال و پروژه های لوله های گاز را باز می کند، رسیده است. دریای سیاه این راه را به قلب اروپا وصل می کند. رودخانه دانوب از پیش دریای سیاه را به سیستم کانالهای توسعه یافته اروپا وصل می کرد.

از آن گذشته، آنچه که رومانی و بلغارستان برای سرمایه داران اروپا به ارمان می آورند، نیروی کار با مزد پایین است. سرمایه داران اروپا اکنون قادر خواهند بود باز هم حقوق مزد گیران اروپایی را که در مناطق مرفه تر زندگی می کنند، پایین بیاورند.

با داشتن ۲۷ عضو، اکنون اتحادیه اروپا تقریباً سراسر این قاره را در بر می گیرد. از اقیانوس آتلانتیک در غرب تا دریای بالتیک در شمال و مدیترانه در جنوب و دریای سیاه در شرق، مرزهای این اتحادیه محسوب می شوند. تنها نروژ و سوییس عضو این اتحادیه نیستند که دو کشور مزبور نیز با قراردادهای متعددی که بسته اند، به آن وابسته هستند. ۵ ایالت بالکان نیز قرار است در آینده به اتحادیه پیوندند.

باید در نظر داشت، زمان آنکه اتحادیه اروپا می توانست به کشورهای فقیری که به آن می پیوندند کمک کند و در بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی آنها موثر باشد - آنچنان که در دهه ۸۰ در یونان و اسپانیا و پرتغال رخ داد - گذشته است. اثرات زیانبار بازار آزاد در این کشورها، میلیونها نفر را به سوی فقر سوق داده است. این تا جایی ست که حقوق متوسط مردم رومانی تنها ۳۰۰ تا ۴۰۰ یورو در ماه است و بیش از نیمی از جمعیت با حقوقی کمتر از ۱۵۰ دلار در ماه زندگی می کنند. در حالی که بین ۲۵ تا ۳۰ درصد مردم رومانی بیکار هستند، ۲ میلیون نفر از مردم این کشور ناچار به ترک کشور خود برای جستجوی کار شده اند. در بلغارستان نیز نزدیک به نیمی از جمعیت ۸ میلیون با کمتر از ۲ یورو در روز زندگی می کنند. از مدرسه تا دانشگاه، بیمارستانها و حتی دادگاهها، فساد و باج گیری در تمام سطوح جامعه رواج دارد.

اتحادیه اروپا وارث ناسامانیایی خواهد بود که بهای آنرا کارورزان جامعه و نه سرمایه داران خواهند پرداخت.

نگاهی به سیاست دولت ها و بحران زیست محیطی (قسمت اول)

الف. آناهیتا

تغییرات ناگهانی آب و هوا به عنوان مساله ای نگران کننده در دهه های اخیر سر تیترا اخبار و گزارشات را به خود اختصاص داده است. تاثیر طبیعی فرایند گلخانه ای برای اتمسفر حیاتی می باشد با انباشت شدن دی اکسید کربن، متان و دیگر گازهای گلخانه ای در اتمسفر، گرمایی که در فضا منتشر می شود را به دام می اندازند. تاثیر طبیعی فرایند گلخانه ای همراه با اثر حرارت خورشید باعث می شوند تا زمین برای تمام موجودات از جمله انسان قابل سکنی گردد. اما اکنون پدیده گلخانه ای که در حالت طبیعی مدافع حیات می باشد به دلیل تولیدات حاصل شده توسط انسان، مخصوصا با استفاده از سوختهای فسیلی، گسترش پیدا کرده و دمای هوا را بیشتر از حد معمول گرم و گرمتر کرده است. در حال حاضر غلظت دی اکسید کربن در اتمسفر در بالاترین میزان خود در چهارصد و بیست هزار سال و یا احتمالاً در بیست میلیون سال اخیر، می باشد. بالا رفتن سطح دریا، امواج حرارتی، خرابی محصولات، بیشتر شدن حوادث طبیعی مانند سیل و خشکسالی، گردباد، ذوب شدن یخها، افزایش میزان زمین های بایر و تغییرات مفرط وضعیت آب و هوایی به طور کلی همگی برآمد افزایش بیش از حد گرمای زمین است. گازهای گلخانه ای قادرند دهه ها و قرن ها در اتمسفر باقی بمانند بنابراین نمی توان برای رفع بخشی از گرمایی که ما در آینده تجربه می کنیم، کاری انجام داد. حتی اگر امروز جوامع قادر باشند استفاده از سوخت فسیلی را متوقف کنند و از گسترش و تولید تمام اشکال گازهای گلخانه ای جلوگیری کنند، درجه حرارت، نیم درجه سانتیگراد در طی قرن حاضر بالا خواهد رفت. در حالیکه اگر ما هیچگونه عملی جهت محدود کردن گسترش این پدیده انجام ندهیم، درجه حرارت می تواند به میزان ۵٫۸ سانتیگراد تا سال ۲۱۰۰ افزایش یابد. تعدادی از تحلیل گران مساله گرم شدن زمین معتقدند که میزان حد متوسط گرمای زمین حتی اگر واکنش های جدی اجتماعی جهت جلوگیری از آن اعمال شود می تواند زیر دو سانتیگراد تا سال ۲۱۰۰ افزایش یابد. هراس اساسی در حال حاضر این است که اگر جوامع بشری به طور قاطع با این مساله برخورد نکنند صعود دمای هوای زمین در آینده می تواند دو یا سه برابر بیشتر شود. از آنجا که میزان گرمای زمین در حال حاضر بیشتر از هر زمانی پس از انقراض دایناسورها در

شصت و پنج میلیون سال گذشته است، گرم شدن زمین به عنوان یکی از مهمترین فاکتورهای انقراض موجودات زنده گوناگون در دهه های آینده پیش بینی می شود. در قسمت های کوهستانی اطراف زمین مشاهده می شود که جانوران و گیاهان با هر چه بیشتر گرم شدن زمین مدام به مکان ها با ارتفاع بیشتر صعود می کنند. اگر گرمای زمین به همین ترتیب پیش برود پروسه صعود موجودات زنده آنچنان ادامه می یابد که مجبور به زندگی در امکانی با ارتفاع بالاتری خواهند شد. کاملاً مشخص نیست که چه اندازه از موجودات زنده در قرن حاضر به این سرنوشت دچار خواهند شد اما بطور مشخص می توان ادعان داشت که گرم شدن زمین تمام موجودات را تحت تاثیر قرار خواهد داد و در نتیجه کاهش تنوع بیولوژیک ادامه پیدا خواهد کرد. دانشمندان اعتقاد دارند که اگر در مقابل این مساله کاری انجام داده نشود افزایش میزان درجه حرارت زمین تا سال ۲۱۰۰ فاجعه ای به بار خواهد آورد که به طور جدی اکوسیستم را تهدید کرده و جوامع بشری را بی ثبات می کند. اگرچه مهمترین عامل این بحران زیست محیطی اولویت دادن به تقدم اقتصادی، سود و سرمایه نسبت به نیازهای بشر می باشد، اما با این وجود قوانین اقتصادی و علایق سیاسی فرمانروایان، ابزار می دارند که نباید نگران بود، نگران نوع های دیگر موجودات نباید باشیم زیرا اصولاً جامعه انسانی متفاوت است. در واقع منظور آنان این است که نباید عملی انجام داد که فراروی رشد اقتصادی و تکنولوژیک سدی ایجاد کند. معلوم نیست که جامعه بشری به چه میزان قادر است با تغییرات تدریجی آب و هوایی دسته و پنجه نرم کند، زیرا انسان خود بخشی از طبیعت می باشد که به طرق مختلف به دنیای اطراف محتاج است. اما مشکل به همین جا خاتمه پیدا نمی کند. امروزه دانشمندان خطری دیگر را هشدار می دهند و آن تغییرات بسیار ناگهانی آب و هوایی است، تغییرات آب و هوایی شدیدی که در طی سالها و نه در طی دهه ها و قرنها اتفاق می افتد و قادر است به طور فاجعه باری جامعه بشری را مورد تاثیر قرار دهد.

تغییرات ناگهانی آب و هوایی به مقدار زیادی در تاریخ اتفاق افتاده است. یکی از آنان کاهش ناگهانی درجه حرارت، حدود دوازده هزار و هفتصد سال پیش بود که شکافی در افزایش تدریجی حرارت از زمان عصر یخ ایجاد کرد و هزار و سیصد سال ادامه یافت (۱).

همچنین یک افت درجه حرارت شدید در مقیاس کوچکتری حدود هشت هزار و دوپست سال پیش اتفاق افتاد که به مدت یک قرن ادامه یافت. اما به عقیده محققان در حال حاضر با وجود گرم شدن مدام و سریع زمین احتمال چنین افتهای حرارتی در دهه های آینده بعید به نظر می رسد. دانشمندان به طور متفق القول پیشنهاد می کنند که در رابطه با افزایش گرمای زمین و جلوگیری از فجاجع زیست محیطی تا پایان قرن حاضر و یا زودتر به کاهش شصت تا هشتاد درصدی گسترش گازهای گلخانه ای نسبت به میزان آن در سال ۱۹۹۰، در دهه های آینده، احتیاج است. در حقیقت هر گونه تلاش و بهبودی جهت جلوگیری از خطری که جامعه بشری را تهدید می کند با تراشیدن قسمتی از نظم کنونی ارتباط دارد، به بیان روشتر باید قسمتی از سوداگری سیستم سرمایه داری کاهش یابد. خروج دولت آمریکا از پروتکل کیوتو به دلیل به صرفه نزدیک نبودن این پروتکل که گامی ابتدایی جهت جلوگیری تولید گازهای گلخانه ای بود و از کشورهای ثروتمند صنعتی خواست تا میزان تولید گازهای گلخانه ای را بین سالهای ۲۰۰۸-۲۰۱۲ پنج و دو دهم درصد نسبت به سال ۱۹۹۰، کاهش دهند، نشان می دهد که با وجود سیستم کنونی که بر انباشت هر چه بیشتر سرمایه در دست بخش کوچکی از صاحبان زر و زور تاکید می کند، مشکلات زیادی روبروست. در واقع دولت آمریکا میزان تولید دی اکسید کربن را از سال ۱۹۹۰ افزایش داده است. بر اساس تحقیقات پروژه جهانی کربن ماه نوامبر سال گذشته که در نیو ساینس منتشر گردید، گسترش گازهای گل خانه ای به میزان ۸ درصد بین سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۹ و ۳٫۲٪ بین سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ افزایش یافته است. این بررسی عدم همکاری و مساعدت دولت آمریکا در صدور یک طرح ملی جهت کاهش تولید گازهای گلخانه ای، ناتوانی نقشه های اروپا و تشدید گسترش این گازها از طرف کشورهای چین و هند را یکی از مهمترین فاکتورهای این بحران عنوان کرده است. به نقل از مشاور مدیر علمی دولت انگلیس در ماه نوامبر، غلظت کربن به میزان ۴۵۰-۴۵۰ پی پی ام، قادر است به طور متوسط میزان دمای زمین را بین ۲٫۲ تا ۳٫۵ سانتیگراد افزایش دهد. دانشمندان معتقدند که هر میزان فراتر از ۲ سانتیگراد می تواند منجر به فجاجع آب و هوایی شود.

در سیستم امروزی مسایل مربوط به انسانها از جمله نوع و چگونگی استفاده از انرژی توسط آنان انتخاب نمی شود بلکه بیشتر توسط شرکت های غول پیکر مورد انتخاب قرار می گیرد که ابزار تولید را در دست خود دارند و با هر عمل جدی پیرامون تغییر نوع استفاده از انرژی که علاقه دیوانه کننده آنان به افزایش سود را به مخاطره بیندازد، مخالفت می کنند. در حقیقت، استفاده بیرحمانه از ذغال سنگ و نفت به عنوان منابع اصلی تولید انرژی و مهمترین عامل افزایش میزان گازهای گلخانه ای توسط بنگاه های سرمایه داری و سپس کاهش آن توسط خود آنان، مانند این می ماند که بشر را در مقابل مرگ و زندگی قرار دهند. اعتماد کردن به «نیروی بازار» برای حل مساله ای که توسط خود همین نیروی بازار به وجود آمده همانند استفاده از بنزین برای خاموش کردن آتش است!! در همین رابطه اداره نیروی کار ایالتی استرالیا برنامه ای جهت جلوگیری از گسترش دی اکسید کربن اعلان کرد که بر طبق آن فقط صورتحساب سالانه مصرف کنندگان برق اضافه گشت و هیچ ضرری متوجه شرکت های تولید الکتریسته نبود. بر اساس تحقیقات و مطالعه چندی از محققان در سال ۲۰۰۴، طرحی ارائه داده شد که مبنی بر آن می توان پدیده گلخانه ای را تا سال ۲۰۵۰ حدود ۵۰٪ پایین آورد. سرمایه مورد نیاز جهت پیاده کردن این طرح ۳۰ میلیارد در سال تخمین زده شد که فقط ۱۲٪ از کمک هزینه سالانه تولید و استفاده از سوخت فسیلی و کمتر از سرمایه ای که دولت جان هوار، نخست وزیر استرالیا، سالانه در عراق مصرف می کند، بود.

بدون شک اگر فعل و انفعالات اقتصادی به طور دموکراتیک توسط خود مردم مورد بحث و گفتگو و چالش قرار می گرفت می توانستیم ترتیبات تغییرات ریشه ای که محیط زیست داشته باشیم، حتی فشار کنونی برای اعمال سیاستهای نولیبرالیسم اقتصادی و خصوصی کردن هر چه بیشتر فعالیت های اقتصادی مساله جلوگیری کردن از تولید هر بیشتر گازهای گلخانه ای را به چالش می گیرد. خصوصی سازی و به بیان روشتر به انحصار در اورن بخش تولید انرژی جوامع، دست صاحبان شرکتها را بیش از پیش باز می گذارد تا حتی در مقابل فشارهای احتمالی پذیرفتن مقرراتی جهت عدم استفاده از سوختهای فسیلی بی توجه بقیه در صفحه ۱۱

نگاهی به سیاست دولت ها و بحران زیست محیطی

بقیه از صفحه ۱۰

باشند. یا به عنوان مثال خصوصی کردن هر چه بیشتر امکانات رفاهی عمومی مانند حمل و نقل داخل شهری و حتی کشوری در رابطه با تشدید گرم شدن زمین نقش بازی می کند، زیرا بدون شک یکی از مهمترین مصرف کنندگان سوخت فسیلی صاحبان اتومبیلهای شخصی می باشند. سپردن سرویس اتوبوسرانی داخل شهری و بین شهری به بخش خصوصی و عدم وجود سیستم منظم اتوبوسرانی که به طور گسترده ای در دسترس عموم قرار گیرد، استفاده از اتومبیلهای شخصی را افزایش می دهد. برنامه ریزی دقیق در راستای ساخت جاده و راه آهن جهت استفاده عموم نیز از کاربرد کامیون به میزان بسیار زیادی کم می کند. جلوگیری از تولید هر چه بیشتر دی اکسید کربن و دیگر گازهای گلخانه ای در رابطه ای تنگاتنگ با شکست سیاستهای خصوصی سازی نولیبالیسم اقتصادی قرار دارد.

در این حال، برخی دولتها ادعا می کنند که انرژیهای تجدید شونده، سرمایه هنگفت می طلبد و غیر قابل اطمینان هستند، آنان همچنین بر استفاده از نیروگاههای انرژی هسته ای که از خود دی اکسید کربن ساطع نمی کند به عنوان راه حلی مقابل گرم شدن زمین، اصرار می ورزند. این مساله از سوی صنایع و رهبران سیاسی عنوان می شود که می خواهند جوامع به استفاده از زغال سنگ، نفت و اورانیوم بدلیل سود هنگفتی که از این منابع کشنده انرژی بدست می آورند همچنان ادامه دهند، هدف آنان بالا بردن سود شرکتیهای حفاری اورانیوم می باشد. وابسته کردن تکنولوژی به منابع محدود بطور وسیعی سودآور تر هستند تا انرژی های کارآمد و تجدید شونده دیگر. در همین راستا تعداد شرکتیهای کشف و حفاری اورانیوم در استرالیا که سی درصد از ذخیره اورانیوم جهان را دارا می باشد از پنج در سال ۲۰۰۳ به بیش از هفتاد در حال حاضر افزایش یافته است.

در واقع انرژی هسته ای نه قابل اطمینان است و نه بی خطر. در ابتدا باید اذعان داشت که برای ساخت یک نیروگاه هسته ای جهت تهیه انرژی هسته ای احتیاج به میزان بسیار بالایی از انرژی است که خود گازهای گلخانه ای تولید می کند. جایگزین کردن انرژی هسته ای به جای سوخت فسیلی برای تولید برق به طور جهانی نیاز به پنج برابر شدن تعداد راکتورهای هسته ای دارد که باعث کاهش پدیده گلخانه ای فقط به میزان پنج تا ده درصد می شود. اضافه شدن ۱۷۶۰

راکتور هسته ای ۲۶ میلیون تن زباله هسته ای در مدت پنجاه سال آینده تولید می کند. کورت دیویس، مدیر تحقیقات سازمان صلح سبز می گوید: «با گسترش نیروگاههای هسته ای، زمین در آستانه بحران زیست محیطی دیگری قرار می گیرد. وی به خطر نشت تشعشعات رادیواکتیو و گسترش سلاحهای هسته ای به عنوان خطرات گسترش به کارگیری انرژی هسته ای اشاره می کند.»

حتی تنها یک مخزن قابل دسترس برای زباله های رادیواکتیو که سالانه به میزان ده هزار تن در سراسر جهان تولید می شود، وجود ندارد. تکنولوژی جهت محدود کردن و از حرکت بازداشتن زباله های رادیواکتیو وجود دارد، اما این تکنیک نیز به عنوان تهدیدی دایمی برای سلامت عموم و محیط زیست باقی می ماند زیرا زباله های رادیواکتیو میلیونها سال دوام خواهند داشت. نگهداری زباله های رادیواکتیو نیروگاههای هسته ای در ظرفهای محافظ و حفاران در زمین یا بدتر در دریا نیز خطرناک می باشد زیرا آنان می بایست برای صدها هزار سال محفوظ نگاه داشته شوند. ما به کدامین دلیل حق آن را داریم که زباله های رادیواکتیو خطرناکی تولید کنیم که سالهای متمادی دوام پیدا می کند؟ چگونه ما می توانیم مطمئن باشیم که مناطقی که این زباله ها حفاری می شوند در این مدت طولانی، پایدار و آرام می مانند؟ آیا سالها پیش مردم بر این باور نبودند که زباله های حاصل شده از صنایع شیمیایی ایمن هستند و آنان را مانند زباله معمولی بیرون نمی انداختند؟ نباید فراموش کرد که زباله های هسته ای پتانسیل بسیار بالاتری در مقایسه با دی اکسید کربن دارند و نمی توان به بهانه احتیاج میرم به نیروی برق و یا به منظور جلوگیری از گرم شدن زمین راهی خطرناکتر را در پیش گرفت. کارشناسان نیز ابراز می دارند که احتمال آلودگی زیست محیطی زباله های هسته ای که هیچ راهی برای از بین رفتن آنان وجود ندارد هر گونه توجیه درباره گسترش بکارگیری انرژی هسته ای را زیر سوال می برد.

خطرات انرژی هسته ای

پلوتونیوم فرارود زباله ای است که توسط انسان با شکست هسته اتم حاصل می گردد. از آن می توان به عنوان سوخت در نیروگاه های هسته ای و یا تولید بمب استفاده کرد.

در سال ۲۰۰۰ تقریباً سیصد و ده تن پلوتونیوم قابل مصرف برای مقاصد صلح آمیز و نظامی، تولید شده است. کمتر از هشت کیلوگرم (هیجده پوند) پلوتونیوم برای ساختن یک بمب شبیه به بمبی که در ناگازاکی استفاده شد، کافی است. بنابراین، فقط در سال دو هزار به اندازه کافی پلوتونیوم تولید شده که قادر است بیش از سی و چهار هزار بمب اتم تولید کند.

از تکنیک تولید انرژی هسته ای که بین ملتهای جهان تقسیم شده است، بخصوص از پروسه ای که اورانیوم خام را به مقدار کمی غنی می سازد می توان همچنین اسلحه های اورانیومی با سطح بالای غنی شده، فراهم کرد.

در بیست و شش آپریل سال ۱۹۸۶، راکتور شماره چهار نیروگاه چرنوبیل منفجر شد و به عنوان بدترین پاشماد هسته ای در تاریخ ثبت گردید. سی نفر بلافاصله کشته شدند که بیست و هشت نفر از آنان به دلیل در معرض قرار گرفتن تشعشعات رادیواکتیو بود. دویست و نه نفر به دلیل مسمومیت رادیواکتیوی حاد مورد معالجه قرار گرفتند. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی سطح تشعشعات رادیواکتیو در اسکانلند که بیشتر از هزار و چهارصد مایل (۲۳۰۰ کیلومتر) با محل انفجار فاصله دارد ده هزار برابر حد نرمال خود بود. هزاران نفر به دلیل سرطان ناشی از اثر مستقیم حادثه جان خود را از دست دادند. ضرر اقتصادی این حادثه برای اتحاد جماهیر شوروی سابق بیش از سه برابر فایده هر نیروگاه اتمی فعال دیگر بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۹۰ بود.

در ماه مارس ۱۹۷۹، خرابی تجهیزات و اشتباه انسانی به یک حادثه در راکتور هسته ای تری مایل ایسلند واقع در شهر هریسبورگ در ایالت پنسیلوانیا انجامید. آلودگی رادیواکتیو منطقه را

محاصره کرد، موارد سرطان تیروئید افزایش یافت و جهش ناگهانی در ژن گیاهان «موتیشن» نتیجه آن بود.

بر اساس گزارش تحقیقاتی محاسبه پی آمد حادثه در رابطه با نیروگاه های هسته ای در آمریکا سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۹۷، تنها یک حادثه در نیروگاه هسته ای آمریکا قادر است انسانهای بیشتری نسبت به میزانی که به دنبال استفاده از بمب اتم در ناگازاکی جان خود را از دست دادند، را در معرض خطر مرگ قرار دهد.

تمام مراحل پروسه بفرنج تهیه انرژی هسته ای برای محیط زیست خطرناک است.

حفار اورانیوم، تصفیه، غنی سازی و تولید پلوتونیوم، ایزوتوپهای رادیواکتیوی تولید می کند که منطقه اطراف را آلوده می سازد. آبهای زیرزمینی، هوا، زمین، گیاهان و همه تجهیزات و در نتیجه انسان و همه اکوسیستم به صورت مضر و ژرفی تحت تاثیر قرار می گیرند. بعضی از این ایزوتوپ ها طول عمر زیادی دارند و طی صدها هزار سال سمی باقی می ماند. در حال حاضر ما فقط در آغاز مشاهده و تجربه اثرات تولید انرژی هسته ای هستیم.

زباله های هسته ای به طرق متفاوتی تولید می شوند. زباله ها در هسته راکتورها، در نتیجه آلودگی رادیواکتیو و همچنین به عنوان بازتولید حفر، تصفیه و غنی سازی اورانیوم بوجود می آیند. یک راکتور سالانه بیست تا سی تن زباله هسته ای بوجود می آورد. هنوز هیچ راه مطمئنی برای نگهداری این زباله ها که تا زمان محو طبیعی خود به صورت بسیار خطرناکی رادیواکتیو می ماند وجود ندارد.

میزان محو یک ایزوتوپ رادیواکتیو نیمه عمر آن نامیده می شود که به معنای مدت زمانی است که نیمی از مقدار اولیه اتم محو می گردد. نیمه عمر پلوتونیوم ۲۳۹- به عنوان یک ترکیب مہلک از زباله هسته ای، بیست و چهار هزار سال است. زندگی خطرناک یک عنصر رادیواکتیو به معنای مدت زمانی که طول می کشد تا عنصر ساقط شود و مطمئن در نظر گرفته شود دست کم ده نیمه عمر است. بدین ترتیب، پلوتونیوم-۲۳۹ دست کم به مدت دویست و چهل هزار سال خطرناک باقی می ماند. انتقال این زباله های هسته ای با کامیون و قطار بسیار خطرناک می باشد.

با وجود اینکه یک سری کشورها زباله ها را دوباره وارد چرخه انرژی می کنند بقیه در صفحه ۱۵

بقیه در صفحه ۱۵

رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

سخن روز:

اگر بتوانی آرزو کنی، می توانی آنرا عمل هم کنی. (والث دیزنی، فیلمساز و کارتون‌ساز)
به محض آنکه توانستی به خودت اعتماد داشته باشی، زندگی کردن را یاد گرفته ای. (یوهان والکن وان گو، شاعر آلمانی)
زندگی من پیام من است. (مهاتما گاندی، رهبر ملی گرای هند)

موفقترین فیلمساز هالیوود

استیون اسپیلبرگ، فیلمساز معروف آمریکایی، شصت ساله شد. او طی چند دهه فعالیتش به عنوان کارگردان و تهیه کننده، به اوج موفقیتی که آرزوی هر فیلمسازی می باشد، رسیده است. فیلمهای این کارگردان پراوازه در مجموع میلیاردها دلار تاکنون فروش داشته اند. در باره او گفته می شود: "استیون اسپیلبرگ یک مولف با جهان بینی متمایز نیست؛ سبک بصری متمایزی هم ندارد. اهمیت اسپیلبرگ - به همراه دوست و همکارش جورج لوکاس (خالق جنگ ستارگان) - در آن است که تمامی ماشین تجاری هالیوود را در وجود شخصی خود نمایندگی می کنند.

پرخرج ترین و پرفروش ترین فیلمها با مضمون بزرگترین فانتزیهای فرار از واقعیت اجتماعی یا با مضمون نگرانیهای طبقه متوسط یک جامعه مرفه که می باید از راه محصول فرهنگی بر آنها فایق آید و اطمینان حاصل کند که اگر خطری، از جایی، رفاه آنها را تهدید کند، سرانجام آن خطر به یمن تلاش آمریکایی قهرمان مرتفع خواهد شد.

اسپیلبرگ و لوکاس هر یک بیشتر از آنکه یک هنرمند منفرد باشند، یک کمپانی یا شرکت تولیدی بزرگ هستند. اهمیت آنها در تهیه کنندگی نیز کمتر از فیلم سازی نیست. این دو ثروتمندترین فیلم سازان تمام تاریخ سینما هستند.

اسپیلبرگ دومین جایزه اسکار بهترین کارگردانی را در سال ۱۹۹۶ برای فیلم "نجات سرباز رایان" با بازیگری تام هنکس دریافت کرد. فیلمهای دیگر او "هوش مصنوعی"، "گزارش اقلیت"، "جنگ دنیاها"، "ترمینال"، "مونیخ" و فیلم "شوگرلند" می باشد. فیلمهای اسپیلبرگ به استثنای چند فیلم، در شمار فیلمهای تخیلی یا فانتزی قرار می گیرند.

کارلو پونتی تهیه کننده معروف سینما درگذشت

کارلو پونتی، تهیه کننده مشهور سینما و همسر سوفیا لورن، بازیگر ایتالیایی، در سن ۹۴ سالگی درگذشت.

آقای پونتی تهیه بیش از ۱۴۰ فیلم را عهده دار بود که از معروفترین آنها می توان به فیلمهای "جاده"، اثر فدریکو فلینی، "دکتر ژوآگو"، به کارگردانی دیوید لین و "اگراندیسمان"، ساخته مایکل آنجلو آنتونیونی اشاره کرد.

وی سوفیا لورن را برای بازی در سینما کشف کرد و زمانی که لورن ۲۲ ساله بود، با او ازدواج کرد. آنها صاحب دو پسر شدند که یکی از آنها، کارلو پونتی جونور، رهبر سمفونی سان برناردینو و دیگری ادواردو پونتی، کارگردان سینما است.

فیلم هندی "کابل اکسپرس"

در افغانستان ممنوع شد

دولت افغانستان، نمایش فیلم هندی کابل اکسپرس را ممنوع اعلام کرد. برخی در افغانستان معتقدند که در این فیلم به قوم "هزاره" توهین شده است.

این فیلم که افغانستان پس از طالبان را به تصویر کشیده، سرگذشت دو روزنامه نگار هندی است که با هدف تهیه گزارش وارد افغانستان می شوند و به اسارت گروه طالبان در می آیند. شماری از بزرگان قوم "هزاره" افغانستان، در مسجدی در کابل، ضمن محکوم کردن فیلم "کابل اکسپرس"، خواستار محاکمه سازندگان آن شدند.

سینمای سفارشی

غلامرضا آقازاده، معاون رییس جمهور رژیم و رییس سازمان بعب سازی، در دیدار با سینماگران از فیلمهایی که با مضمون "فعالیتها صلح آمیز هسته ای" تولید شود، حمایت کرد. او همچنین وعده داد که امکان بازدید آنها از مراکز تحقیقات هسته ای جمهوری اسلامی را فراهم آورد.

احمد طالبی نژاد، نویسنده و منتقد سینما، در این باره به بی بی سی گفت: "معمولا وقتی پای سفارش به میان می آید، به دلیل وضعیت شکننده اقتصاد سینمای ایران، سینماگرانی به سراغ موضوعات سفارشی می روند که اعتقاد چندانی به اصل موضوع ندارند و در نتیجه حاصل کار چندان قابل قبول از آب در نمی آید. بهترین نمونه به تصویر کشیدن جنگ هشت ساله ایران و عراق بود که در مقایسه با سایر فیلمها، استقبال چندانی از آن نشد.

ترانه های سنتی فلسطینی در قالب مدرن

"ریم بنا" سالهاست که در فلسطین در صف محبوبترین ستارهها قرار دارد. او در دوران اخیر هم توجه منتقدان موسیقی جهانی را در اروپا از جمله در آلمان به خود جلب کرده است. این خواننده فلسطینی که فارغ التحصیل دانشسرای عالی موسیقی مسکو است، در ترانههایش هم از عشق و دوستی می خواند و هم از درد و رنج مردم فلسطین.

نام او در اواخر دهه هشتاد میلادی بین مردم فلسطین سر زبانها افتاد، البته نه به خاطر خواندن ترانههای پاپ بلکه، اجرای دوباره ترانههای قدیمی و محبوب کودکان که درحال به فراموشی سپرده شدن بود.

سبک کارهای "ریم بنا" در طول سالها تغییر کرده و قطعات آخرین آلبومی که از این خواننده فلسطینی تحت عنوان "آینه روح من" منتشر گردیده، ترکیبی است از اشعار معاصر فلسطین و ترانههای قدیمی و اصیل این کشور که در قالبی مدرن و با تنظیمهایی جذاب و نو آرایه شده است. "ریم بنا"، موسیقی را وسیله ای مهم برای بیان موجودیت فرهنگی می داند.

درگذشت نخستین آهنگساز زن

سینما

شرلی واکر، آهنگساز زن مطرح جهان و تنظیم کننده موسیقی فیلمهایی چون "بتمن"، "دیک تریسی" و "مقصد نهایی"، در سن ۶۱ سالگی بر اثر سکتة مغزی درگذشت.

خانم واکر نخستین زنی بود که برای فیلمهای معروف به تنظیم آهنگ پرداخت. او به سختی تلاش می کرد تا آهنگها کلیشه وار نشده و متنوع باشند.

شرلی واکر سال ۱۹۴۵ در ناپا به دنیا آمد و آهنگسازی را با کار روی پروژه تلویزیونی "تاچ شاهین" آغاز کرد و با آثاری چون "ساحل چین" ادامه داد.

آخرین اثر وی "کریسمس سیاه" نام دارد. او در طول فعالیت هنری اش بارها نامزد دریافت جایزه گرمی شد و سرانجام این جایزه را دو بار تصاحب کرد.

اومبرتو اکو، ۷۵ ساله شد

اومیر توآکو، نویسنده کتاب "نام گل سرخ" که یکی از پرفروش ترین کتابها در سراسر جهان به شمار می رود، به سن هفتاد و پنج سالگی رسید. این نویسنده از جوانی به فلسفه روی آورد و در سن ۲۲ سالگی رساله ی دکترای خود را در باره زیباشناسی در آثار توماس اکوین نوشت.

اومبرتو اکو ایتالیایی، پس از کار با رسانه های گوناگون در ایتالیا، در سال ۱۹۸۰ نخستین رمان خود به نام "گل سرخ" را

انتشار داد. از دیگر رمانهای او "جزیره روز پیشین"، "بودولینو"، "شعله ی اسرارآمیز شهانو لوانا" می باشد.

رمانهای اکو شامل بسیاری از پرسشهای تاریخی، فرهنگی و فلسفی هستند. اکو معتقد است که یک اثر هنری با شرکت خواننده پدید می آید و در هر تفسیر شخصی اهمیت ویژه ای می یابد. اومبرتو اکو روشنفکری چپگرا شناخته می شود. او در دهه ۷۰ با نام مستعار «دالوس» مقاله هایی برای روزنامه ی کمونیستی «ایل مانیفست» می نوشت. افزون بر آن، او یکی از مخالفان سرسخت سیلیویو برلوسکونی، نخست وزیر پیشین ایتالیا است.

اومبرتو اکو می گوید، فقر ایدئولوژی روشنفکران را تبدیل به غیبگویان حرفه ای می کند اما چون آنها در باره ی همه چیز آگاهی ندارند، سخنانشان بیهوده اما اثربخش است .

بزرگداشت مولانا در ترکیه

یونسکو سال ۲۰۰۷ که مصادف است با هشتادمین سال تولد مولانا محمد جلال الدین بلخی را به عنوان "سال مولانا" انتخاب کرده است. در همین رابطه، در بیش از ۲۵ کشور جهان آیینهای بزرگداشت مولانا و معرفی افکار بشردوستانه این عارف بزرگ برگزار خواهد شد.

ترکیه به دلیل آنکه مقبره مولانا در شهر قونیه در مرکز این کشور قرار دارد، خود را میراث دار او می داند.

وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه که از نیمه دوم سال ۲۰۰۶ طرحهای متنوعی را برای بزرگداشت سال مولانا به مورد اجرا گذاشته، پیش بینی کرده که در سال ۲۰۰۷ بیش از سه میلیون مهمان خارجی از شهر قونیه دیدن کنند.

از ماه مه به بعد، آیینهای ویژه بزرگداشت سال مولانا در ترکیه با برگزاری کنگره ای بین المللی آغاز می شود. در این کنگره، دانشمندان، مولوی شناسان و پژوهشگران سراسر جهان مشارکت خواهند کرد .

برپایی نمایشگاه عکس، نقاشی و خوشنویسی، همایشهای مولوی شناسی، تعیین جایزه بین المللی صلح مولانا و ساخت فیلم جدیدی از مولانا جزو برنامه هایی است که دولت ترکیه از هم اینک سرگرم تدارک آنهاست.

به گزارش خبرگزاری آنکارا، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، از نزدیک مراحل ساخت فیلم مولانا را تحت نظر گرفته است. فیلم زندگینامه مولانا محصول مشترک سینمایی ترکیه و هالیوود خواهد بود. جورج کلونی و لئوناردو دی کاپریو از بازیگران سرشناس هالیوود در آن ایفای نقش خواهند کرد.

زنان در مسیر رهایی

الف اناهیتا

نویسنده سعودی با تحریر مبارزه برای حقوق زنان مواجه است

میدل ایست تایمز، ۲۸ دسامبر ۲۰۰۶
خانم وجیه الهواید، نویسنده و خبرنگار و برنده جایزه آزادی بیان آکسفام نویب که برای حقوق زنان عربستان سعودی مبارزه می کند با دستگیری و تحریم از فعالیت حقوق بشری خود مواجه شد. خانم وجیه الهواید، بر اساس گزارش بنگاه تحقیقاتی رسانه خاورمیانه در ماه آگوست سال ۲۰۰۳، توسط وزارت داخلی عربستان سعودی از قلم زدن در روزنامه های سعودی منع گردید. وی بعد از این جریان مقالات خود را در وب سایت اعراب رفرمیست چاپ کرد و به جلب توجه نهادهای بین المللی نایل آمد تا آنجا که بدلیل تلاش برای رهایی و ترفیع حقوق زنان موفق به دریافت جایزه آزادی بیان آکسفام نویب گردید.

وی در تاریخ چهارم آگوست سال ۲۰۰۶، همزمان با سالگرد به تخت نشستن عبدالله بن ابدلوزیز، شاه عربستان سعودی با در دست گرفتن پلاکاردی که بر روی آن نوشته شده بود «حقوق زنان را بدهید» در مکانی عمومی دست به اعتراض زد. وی بدلیل انجام عملی که برای یک زن سعودی غیرمعمول به حساب می آید دستگیر شد و در بیستم ماه سپتامبر برای بازجویی احضار شد و شش ساعت بازداشت گردید. پلیس در مقابل آزادی از وی خواست تا تعهد نامه ای را امضا کند که بر اساس آن از تمام فعالیت های حقوق بشری خود، نوشتن مقالات، سازماندهی اعتراضات و برقراری ارتباطات با روزنامه های و سازمان های خارجی دست بکشد. علاوه بر این، وی تهدید شده است که اگر تعهد خود را زیر پا بگذارد، شغل خود را از دست می دهد و همچنین از بازگشت وی به اقامتگاه خود در بحرین جلوگیری می شود.

فروش دختران هشت ساله

اسوشیتد پرس، ۷ ژانویه ۲۰۰۷
مردم روستاهایی که مورد حمله دومین خشکسالی ویران کننده قرار گرفته اند جهت فراهم کردن مواد غذایی دختران خود را شوهر می دهند. خانواده عزیز گل، در غرب افغانستان بعد از اینکه برای بار دوم با خشکسالی روبرو گشتند، جهت فرار از گرسنگی چندی قبل از کریسمس دختر ده ساله خود را به عقد پسری سیزده ساله درآوردند. مادر عزیز گل می گوید: «ما غذای کافی

نداشتیم و مجبور شدیم که دختر خود را بفروشیم. سه ماه قبل دختر پانزده ساله ام ازدواج کرد آنزمان به این شدت زیر فشار نبودیم اما امروز بدلیل خشکسالی مجبورم دخترانم را جوانتر به ازدواج مردی در آورم. اگر خشکسالی به همین ترتیب پیش برود مجبورم هر پنج دخترم را شوهر بدهم. قیمت عروس برابر دو هزار یورو می باشد و این پول که بصورت قسطی به ما داده می شود می تواند وضعیت بد زندگیمان را تا حدودی متوازن کند.»

سرنوشت عزیز گل یک مورد ویژه نیست. در حالیکه جهان بر جنگ علیه طالبان تمرکز کرده، رنج اندوهگین ساکنین روستاهای افغانستان، جمعیتی نزدیک به دو و نیم میلیون، بدون توجه ادامه یافت. خشکسالی بطور متناوب هر دهه مردم افغانستان را با شرایط سختی روبرو می کند، مردم روستاهای افغانستان به سختی قادر به ترمیم خشکسالی آن هم برای بار دوم هستند. آنان مخصوصاً در مناطق رعیتی مجبورند دختران خود را در سنین بسیار پایین به ازدواج مردی در آورند و تنها دلیل آنان خرید مواد غذایی برای زنده ماندن است. دختران تنها سرمایه خانواده ها هستند. کشاورز سی و نه ساله، دختر هشت ساله اش سومیه را برای دریافت ۱،۵۶۰ یورو به عقد مرد بیست و دو ساله ای از همان روستا در آورده است. خشکسالی همچنین باعث سوتغذیه و مرگ و میر کودکان هنگامی که مجبورند برای فرام کردن آب و هیزم به سفرهای سه تا چهار ساعته بروند، منجر شده است. نسی چهل ساله ابراز می دارد که می خواستم به کودکم شیر بدهم اما بدنم بدلیل گرسنگی شیر لازم را تولید نکرد، برای جبران کمبود شیر مخلوطی از آب و شکر به او می دادم، کودکم به دلیل کمبود شیر، جان خود را از دست داد.

زنان بیشتر از مردان کار می

کنند اما هنوز کمتر از مردان عایدی دارند

خبرگزاری تحقیقاتی فیلیپین، ۱۷ دسامبر ۲۰۰۶

زنان چه در اداره و یا کشتزارهای برنج و یا بعنوان خدمتکار خانگی بیشتر از مردان کار می کنند اما هنوز عایدی و مالکیت کمتری نسبت به آنان دارند. بر اساس گزارش سال ۲۰۰۵ یونیسف، چهل درصد از فعالیت های اقتصادی جهان را زنان انجام می دهند. اما عایدی زنان در آسیای شرقی و میانه شصت و دو درصد عایدی مردان تخمین زده شده است. درآمد زنان حتی در کشورهای در حال توسعه فقط پنجاه و هفت درصد عایدی مردان است. شکاف جنسیتی در پرداخت دستمزد در تمام کشورها وجود دارد و بر اساس

شواهد و آمار موجود دستمزد پایین زنان بطور بسیار خشنی بیست درصد پایین تر از مردان است.

از آنسو که زنان اولین مسوولیت در پرورش کودکان را دارند، اعمال تبعیض در پرداخت دستمزد نسبت به زنان در نبود امکانات برای کودکان پیرامون وضعیت بهداشتی و سلامتی کودکان، تغذیه نامناسب و در حیطه آموزشی آنان نیز بازتاب پیدا می کند. زنان همچنین به دلیل دریافت دستمزدهای کمتر و عدم داشتن کنترل بر عایدی خانه، دارایی پایین تری نسبت به مردان دارند. اعمال تبعیض جنسیتی در قوانین مالکیت، ارث و حتی برنامه های تقسیم و توزیع اراضی محسوس است. تحقیقات اجمالی در رابطه با کشورهای در حال توسعه نشان می دهد که زنان بطور متوسط یک ساعت و نه دقیقه بیشتر از مردان در روز کار می کنند. بعنوان مثال در کشور مکزیک خدمتکاران خانگی زن، در هر هفته سی و سه درصد مسوولیت خانگی را در مقابل سهم مردان که شش ساعت در هفته تخمین زده شده است را بر عهده دارند. زنان در هندوستان در هفته سی و پنج ساعت صرف کارهای طاقت فرسای خانگی می کنند در صورتیکه این میزان برای مردان در مدت زمان برابر فقط چهار ساعت است. بر اساس یک پژوهش و کاوش به واسطه یونیسف و سازمان بین المللی کار اکثریت کودکان قاچاق شده در فیلیپین نیز دختر هستند. این مساله را می توان به تقاضای بسیار بالای خدمتکار خانگی، کار در بخش خدماتی و همچنین بهره کشی جنسی نسبت داد. تحقیقات در مکزیک، اکوادور و فیلیپین به تاثیرات روانی و روحی کودکان، زمانی که والدینشان برای دستیابی به شغل بهتر مهاجرت می کنند، اشاره می کند. قابل توجه است که والدین سه میلیون از شش میلیون کودک زیر هیجده سال فیلیپینی برای یافتن شغل مناسب مهاجرت کرده اند.

آزار و اذیت، مهاجران اندونزی

در مالزی
انتارا نیوز، ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶

بیش از یک میلیون کارگر مهاجر از اندونزی با آزار و اذیت جدی، مورد کتک قرار گرفتن و تجاوز جنسی در مالزی روبرو هستند. بر اساس گزارش مدیر بخش حقوق مهاجران سازمان ملل اکثریت آنان را زنان و کودکان تشکیل می دهند. بسیاری از زنانی که بصورت خدمتکار خانگی به کار گرفته شده اند به کارفرمایان خود فروخته شده اند. یک نامه غیر رسمی پذیرفته شده بین دو ملت آسیایی جنوب شرقی به کارفرمایان اجازه می دهد که پاسپورت مهاجران را از آنان بگیرند و به بیانی روشن آزادی آنان بیش از پیش محدود کنند.

مقاومت ایران به شهادت رساندن وحشیانه خانم امیره عبدالکریم العقابی را محکوم می کند

همبستگی ملی، چهارشنبه ۲۷ دی ۱۳۸۵

مقاومت ایران جنایت وحشیانه ربودن و به شهادت رساندن وحشیانه خانم امیره عبدالکریم العقابی بدست عوامل رژیم عبدالکریم العقابی بدست عوامل رژیم جنایتکار آخوندی در عراق طی یک جنایت فجیع، خانم امیره عبدالکریم العقابی، مسئول بخش زنان در سندیکای کارگری عراق را که از مخالفان سرسخت دخالت آخوندها در عراق بود، پس از ربودن به طرز وحشیانه ای به شهادت رساندند تلاشهای او برای ارتقای فعالیت های زنان در عراق بود. تلاشهایی که به ویژه به عنوان مسئول بخش زنان سندیکای کارگری عراق در جهت مبارزه با بنیادگرایی صدارتی آخوندها و محدودیتهای فزاینده ای که عوامل رژیم به زنان عراق تحمیل میکردند، جریان داشت. وی یکی از بانیان بیانیه تاریخی هملیون و ۲۰۰ هزار تن از مردم عراق بود که طی آن خواستار خلع ید از رژیم آخوندی، در عراق شده بودند

خانم امیره عبدالکریم العقابی در نامه ای خطاب به ریاست مجلس و معاون رئیس جمهور عراق نوشت: «من بعنوان یک زن عراقی وطن پرست، در راستای همبستگی زنان عراقی با زنان مجاهد خلق در اشرف، خواستار اذعان به حقوق پناهندگی سیاسی هزار خواهر مجاهد ضد رژیم آخوندی در عراق هستم.»

مقاومت ایران این جنایت فجیع را به شدت محکوم می کند و ضمن تسلیت به خانواده العقابی بر ضرورت پیگیری عوامل این جنایت و اتخاذ تدابیر جدی برای مقابله با تروریسم صدارتی آخوندها به عراق تاکید می کند. پنج میلیون و دویست هزار تن از مردم عراق در بیانیه ژوئن گذشته خود خواستار خلع ید از رژیم ایران شدند و با یاد آوری جنایات این رژیم از جمله «قتلهای فجیع دستجمعی، ترور شخصیت های ملی و نخبگان جامعه عراق، آدم ربایی و موج پایان ناپذیر دستگیری های خود سرانه» خاطر نشان کردند که رژیم ایران «امنیت و حیات و دمکراسی» را در عراق هدف قرار داده و این کشور را به «لبه پرتگاه» کشانده اند است.

اعدام صدام محکوم است

زینت میرهاشمی

اعدام صدام حسین، دیکتاتور سابق عراق، و اظهارات خشنودانه مستبدان حاکم بر ایران در رابطه با این اعدام بار دیگر جمله معروف فیلسوف و منتقد ادبی آمریکایی به نام جورج سننایانا را یادآوری می کند. «آنها که از تاریخ نمی آموزند محکوم به تکرار آن می شوند.»

صدام حسین رئیس جمهور پیشین عراق، روز شنبه ۸ دی ماه به طناب دار آویخته شد. این که وی همانند هر دیکتاتور دیگری در برابر اعمالی که انجام داده است باید محاکمه عادلانه شود امری غیر قابل انکار است. اما این اعدام در حالی صورت می گیرد که نیروهای ائتلاف نوید برقراری دموکراسی را به مردم عراق می دهند. طبیعی است که اعدام به عنوان یک شیوه مجازات رهاورد مثبتی نه تنها نمی تواند داشته باشد بلکه سنگ پایه ای برای نهادینه کردن نقض حقوق بشر است. اعدام به عنوان یک شیوه مجازات محکوم است. از این جنبه اعدام صدام حسین اگر چه یک دیکتاتور بود اما نشانی از ناتوانی و بربریت قانون در برابر انسان است.

پایوران جمهوری اسلامی ضمن ابراز خشنودی از اعدام صدام حسین، حرفهایی زدند که روزی گریبان خودشان را خواهد گرفت. علاء الدین بروجرودی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارتجاع روز شنبه در واکنش به اعدام صدام گفت: «در هر صورت سرنوشت صدام نشان داد که حتی اگر قدرتهای بزرگ جهانی نیز از یک جنایتکار و دیکتاتور حمایت کنند سرنوشت جنایتکار دیکتاتوری همین خواهد بود که صدام پیدا کرد...» با وجود آن که همه ی نیروهای دمکراتیک ایران مخالفت خود را با مجازات اعدام اعلام داشته اند و بنابراین پس از سرنگونی مستبدان حاکم بر ایران برای هیچ یک از سران رژیم درخواست اعدام نخواهند کرد، اما از اظهار نظر علاء الدین بروجرودی و سایر پایوران رژیم باید نتیجه گرفت که جنایتکاران حاکم بر ایران به سرنوشت خود آگاهند.

۱۰ دی ۸۵

مرگ زشت صدام حسین



روزنامه
نیویورک تایمز
پنجشنبه
۱۴ دی ۱۳۸۵
(۴ ژانویه
۲۰۰۷)

صدام حسین ترحم کسی را شایسته نیست بیانگیزد. اما هر کسی که فیلم ویدیو موبیل اعدام او را دیده می تواند گواهی دهد که کمتر شبیه اجرای عدالت توسط یک دولت بود. دیکتاتور محکوم، بنظر رسید که از بازداشت ارتش آمریکا به دست یک گروه شیعی جلاذ سپرده شد. برای بوش که ادعا می کرد دموکراسی و عدالت را به عراق آورده است، تصاویر فیلم ویدیو موبیل مایه شرمساری و دستچاگی بود. متأسفانه بخاطر این، همه آمریکاییها مورد سرزنش قرار می گیرند. این حادثه زشت روشن می سازد که چرا نوری المالکی هرگز احتمال ندارد که بتواند که دولت اشدتی ملی تشکیل بدهد. کاری که دولت بوش مستمر از عراق می خواهد و چیزی که عراق به آن بشدت نیازمند است. آقای مالکی اکنون در تقلاست که خودش را از عواقب فاجعه بار عمومی این اعدام خلاص کند.

در عراق چه کسی مجری عدالت است؟

جعفر پویه

به دار کشیدن صدام حسین، رییس جمهور مخلوع عراق توسط دار و دسته مقتدا صدر، اجرای عدالت به شیوه آمریکایی را در عراق تحت اشغال به رخ کشید. افتضاح ببار آمده در شیوه "اجرای عدالت" کاری کرده است که همه کسانی که در این کار دخیل بودند، یکی پس از دیگری خود را از آن مبرا معرفی می کنند.

دستگاه اطلاعاتی رژیم آخوندهای حاکم بر ایران سعی کرد تا فیلم منتشر شده از اعدام را مونتاژ بنامد و آنرا توطئه ای برای بدنام کردن جیره خواران خود قلمداد کند. اما اعلام خبر دستگیری کسی که از صحنه اعدام توسط تلفن همراه فیلم برداری کرده توسط معاونان مالکی، بر درستی فیلم مزبور صحنه گذاشت.

اما اظهار نظر کسانی که ورود تلفن همراه در صحنه اعدام را نشانه ناتوانی دولت دست نشانده می دانند، نشان از طرز تفکر آنان دارد. این کسان حضور مقتدا صدر در محل اعدام و شعارهای اوپاش طرفدار او را تقبیح نمی کنند، برای آنان هتاکی به کسی که در حال اعدام است چندان مهم نیست بلکه، مشکل شان این است که چرا با ورود تلفن همراه، نقاب از چهره شان بر افتاده است و اکنون بسیاری می دانند که چه کسانی پشت محاکمات صوری دادگاه های تشکیل شده در بغداد هستند. حال می شود فهمید چه کسانی وکلای مدافع صدام را در خیابانها ترور و قاضی دادگاه را تعویض کرده اند تا به اهداف خود دست یابند.

بقیه در صفحه ۱۵

هفت شاه و هفتاد رئیس جمهور!

اسماعیل وفا یغمایی

هفت شاه!

هفتاد رئیس جمهور!!
وهفتصد وزیر! !!!
اخمهایشان را در هم کشیدند!
وراسیسم را محکوم کردند
هفت هزار تلویزیون!
هفتصد هزار رادیو!!
و هفت میلیون روزنامه!!!
گفتند و نوشتند و نشان دادند
و در مقابل یک دشنام! ساده موضع گرفتند!
و می گویند و می نویسند و نشان می دهند
وازشرافت هنرمند زیبای هندی دفاع می کنند!
اما خاموشند
خاموشتر از خاموشی
یا تنها زمزمه گر
که در زیر ضربه خونین بمبها و پوتینها
کودکان و زنان و مردان عراقی
هر روز صد نفر
ترکیده اند در سال گذشته چون بادکنک
و می ترکند در سال آینده چون بادکنک
اما خاموشند
و یا تنها زمزمه گر
هفت شاه!

هفتاد رئیس جمهور!!

و هفتصد وزیر!!

هفت هزار تلویزیون!

هفتصد هزار رادیو!!

و هفت میلیون روزنامه!!!

در جهانی که برای شفای کرگدن بیمار باغ وحش استکهلم

صندوق تعاونی می گذارند

و در کلیساها شمع روشن می کنند

اما گرسنگان افریقائی

به دور از نگاه انسان و خدا

تا پاله شتر می خورند

و در جهانی که برای قتل یک خرس در کوههای آلپ

و یتیم شدن بچه خرسها!

ده هزار نفر تظاهرات می کنند

اما برای کشتار دهها هزار نفری رواندا

ونابودی هزاران کودک

خیابانها خاموش می ماند

شاید

باید

در مقابل آینه ای بایستیم

واز درازای گوشه ایمان مطمئن شویم!

شاید

باید

خط کش کوچکی برداریم

وفارغ از این همه سطح سرگیجه آور بی پایان!!

عمق اندک خود را اندازه بگیریم

وشاید

باید

چشمایمان را ببندیم

وتنها ببوییم

رادبوها

تلویزیون ها

و روزنامه ها را

وبوی لجن را

و بوی خون را

و بوی فریب را

و بوی.....

دو سنگ آسیاب

لیلا جدیدی

مهم ترین برداشتی که بسیاری از رسانه ها، تحلیل گران و مقامات آمریکایی از سخنان اخیر جورج بوش داشتند را می توان در یک جمله خلاصه کرد: "اعلام جنگی پنهانی علیه جمهوری اسلامی!" بوش گفت: "پیروزی در عراق مستلزم دفاع از حاکمیت ارضی عراق و ثبات منطقه در برابر چالش بنیادگرایان یعنی، ایران و سوریه است."

گفته می شود که او پیش از این سخنرانی، برای گرفتن حمایت از فرستادن سرباز بیشتر به عراق، خنثی کردن دخالت جمهوری اسلامی را پیش کشیده است. پس از او، خانم رایس نیز عدم تحمل دخالت رژیم ملاحا در عراق را تاکید کرد؛ هشدار می دهد که با هجوم به دفتر کارچاق کنی جمهوری اسلامی در اربیل، زمان زیادی را برای عملی شدن در انتظار خود نگذاشت.

در واکنش به این تحولات، پاسدار ارتجاع، محمد باقر ذوالقدر، در حرافه های پیش از معرکه نماز جمعه، نخست با یادآوری این که: "دولتمردان عراقی قبلا به ما پناه آورده بودند و امروز نیز ما را پناه خود می دانند" نه تنها مهر تایید بر دخالت در این کشور می زند بلکه، آن را حق رژیم معرفی می کند.

رژیم ملاحا که اکنون بین دو سنگ آسیاب تحریم و کوتاه شدن دست خود در عراق گیر افتاده است، از زبان این کارگزار خود دست به دامن مردم ایران می شود. وی تصمیمات اخیر دولت بوش را "به بن بست رسیدن" سیاست آمریکا شمرده و همزمان برای مقابله با عوارض "بن بست" حکومت سوگند می خورد: "ملت ما مخلصانه در صحنه حاضرند و دولت و تمام مسوولان نیز برای رفع مشکلات این مردم تلاش می کنند."

پاسخ مردم به این استمالت عوامفریبانه اما یک "نه" بزرگ است. مردم ایران هرگز نخواسته بودند پول نفت که قرار بود بر سر سفره شان برود، خرج ماشین کشورگشایی و گسترش نفوذ حکومت فاشیستی - مذهبی ملاحا شود. با سرکوب، اختناق، گرسنه نگاه داشتن مردم و خیانت به منافع ملی آنها نمی توان حمایت کسب کرد.

مردم ایران همزمان با فشارهای بین المللی بر رژیم، به مبارزه مستقل خود برای آزادی از چنگال ارتجاع و سرنگونی رژیم ادامه خواهند داد. ۲۳ دی ۸۵

در عراق چه کسی مجری عدالت است!

بقیه از صفحه ۱۴

مقامات آمریکایی با حرفهای ضد و نقیض می گویند که اگر آنها بودند هرگز این گونه عمل نمی کردند اما به این پرسش پاسخ نمی دهند که چرا مجری عدالت آنها دارودسته مقتدا صدر است؟

اعدام صدام در روز عید قربان که برای مسلمانان مقدس است، دقیقین به ضد خود تبدیل شده است. زیرا طبق سنن مذهبی در چنین روزی زندانیان آزاد می شوند و یا جرایم آنان بخشوده می شود و یا در آن تخفیف داده می شود. اما این کسان با عمل خود ثابت می کنند که برای آنان دین و مذهب تنها ابزاری برای رسیدن به قدرت و انتقام کشی است.

تحويل یک اسیر جنگی به یک دارودسته مافیایی برای انتقام گیری به معنای پشت پا زدن به همه قوانین انسان دوستانه بین المللی و جرم محسوب می شود.

اکنون این پرسش مطرح است که آیا اشغالگران و در راس آنها آمریکا از نتیجه این اعمال درس خواهد گرفت و در شیوه خود تجدید نظر خواهد کرد و یا در بر همان پاشنه سابق تا نابودی یک ملت خواهد چرخید؟

۱۵ دی ۸۵

در سرمای زمستان، مردم

اکثر شهرهای کشور گاز

ندارند

جعفر پویه

در حالی که رییس جمهور دولت نظامی - امنیتی در سفرهای استانی خود وعده و وعید پخش می کند و قولهایی می دهد که هرگز جامه عمل به خود نمی پوشد، در سرمای زمستان جریان گاز اکثر استانهای سردسیر کشور قطع شده است. دولتی که با شعار بردن نفت بر سر سفره های مردم بر سر کار آمده، با فراموش کردن شعارهای خود، تهدید و ارباب تحویل معترضین می دهد، وزیرش دانشجویان را به تجاوز به ناموس مردم و اعمال منافعی عفت متهم می کند و رهبرش آنها را عوامل بیگانه می نامد.

همزمان با آن که دولت نظامی - امنیتی ۲۵۰ میلیون دلار به اسماعیل هنیه هدیه می دهد، در سرمای شدید، شهرهای مختلف کردستان گاز ندارند و مردم از سرما بر خود می لرزند.

دولت نظامی امنیتی یک میلیارد دلار به دولت دست نشانده عراق وام می دهد اما بیکاری در کشور بیداد می کند و کسی به فکر این نیست که تاسیسات زیر بنایی کشور را ترمیم و یا توسعه دهد.

احمدی نژاد امتیاز بستن قرارداد فروش گاز به امارات را به یکی از بستگان خود واگذار می کند و او هم با چوب حراج زدن به ثروت عمومی مردم و با گرفتن رشوه، آنرا به پایین ترین قیمت ممکن واگذار می کند. اما جریان گاز در خانه های مردم قطع شده است و آنها نمی دانند که در این سرمای زمستان باید چه کار کنند.

رژیم ولایت فقیه در اعتراض به برگزاری کنفرانس گروه های سنی عراق در استانبول، جریان گاز به ترکیه را نیز قطع کرده است و آنرا به حساب سرمای شدید گذاشته است. او با اینکار دو هدف را در آن واحد دنبال می کند، هم ترکیه را به دلیل فوق تحت فشار قرار می دهد و هم می خواهد دلیل عوام فریبانه ای به مردم تحويل دهد و علت قطعی گاز را توجیه کند.

کشور ایران یکی از بزرگترین منابع گازی جهان را در اختیار دارد اما به دلیل حاکمان ضد انسانی و ضد مردمی اش، مردم در سرمای زمستان نمی توانند از ثروت ملی خویش بهره ببرند و حداقل خانه خود را با آن گرم نگه دارند.

حیف و میل، چپاول و دزدی اموال عمومی و بدل و بخشش آن به بیگانگان برای صدور تروریسم و بنیاد گرایی، سیاست رژیم ولایت فقیه است. به همین دلیل مردم ایران باید در سرمای زمستان بلرزند تا حکومت برای خود از بین اوباش طرفدار دست و پا کند. حکومتی که نمی تواند و نمی خواهد در سرمای زمستان از محل منابع سرشار عمومی گرمای خانه های مردم را تامین کند، بی لیاقت و ضد مردم است. باید چنین حکومتی و رهبرانش را از اریکه قدرت به زیر کشید و به جرم خیانت به مردم و کشور در دادگاهی صالح محاکمه کرد.

۱۴ دی ۸۵

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

جعفر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراك نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراك سالانه

فرانسه	۲۰ یورو
اروپا معادل	۲۴ یورو
آمریکا و کانادا	۲۶ یورو
استرالیا	۴۰ یورو
تک شماره	۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس نبرد در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E:mail:nabard@iran-nabard.com

چنگ خبر

اخبار روزانه را در جنگ بخوانید

www.jonge-khabar.com

نگاهی به سیاست دولتها

بقیه از صفحه ۱۰

تا انرژی بیشتری تولید کنند، این عمل زباله های هسته بیشتری به وجود می آورد. اضافه بر این خطر تکثیر بمب را تشدید می کند زیرا از مواد مورد تجدید فرایند قرار گرفته می توان در ساختن بمب نیز استفاده کرد.

با توجه به حقایق ذکر شده در بالا می توان پی برد که انرژی هسته ای نه تنها به عنوان یک انرژی جایگزین سوخت فسیلی مساله ای از بحران زیست محیطی حل نخواهد کرد بلکه آن را تشدید می کند، این مساله حتی برای کشورهای پیشرفته صنعتی فاجعه بار بوده دیگر چه برسد به ساختار دولتی به غایت عقب افتاده یا بحرانهای ساختاری اقتصادی مخصوصا در کشوری زلزله خیز همچون ایران. رژیمی که تا کنون هیچ ارزشی برای محیط زیست قابل نبوده بدون شک با ساخت نیروگاه های هسته ای بحران زیست محیطی ایران را وارد فاز شدیدتری خواهد کرد و جان میلیون ها انسان را نه تنها در ایران بلکه در منطقه به خطر خواهد انداخت. (ادامه دارد)

۱) Younger Dryas

دست استمالت از بین

NABARD - E - KHALGH

No : 258 21.Janvier. 2007 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

همنویایی ارکستر توطئه گران

جعفر پویه

به شعار دانشجویان "مردم نان"

می خواهند نه بمب " پاسخ دهید! بهمن ماه

شهادی فدایی

رفقا: ابراهیم پور رضا خلیق - سعید پایان - فتحعلی پناهیان - منیژه اشرف زاده کرمانی - محمد طاهر رحیمی - محسن بطحایی - عبدالمجید پیرزاده جهرمی - مسعود پرورش - فاطمه افدرنیا - جعفر محتشمی - پوران یداللهی - مصطفی دقیق همدانی - انوشه فضیلت کلام - کیومرث سنجر - حسن فرجودی - حسین چوخابی - کاووس رهگذر - جهانگیر قلعه میانداوب (جهان) - فرشاد مرعشی - حمید مؤمنی - محمدعلی خسروی اردبیلی - قاسم سیادت - بابک سیلابی - خسرو پناهی - مهدی اقتدارمنش - محسن نیک مرام - بهروز عبدی - محمدجواد عرفانیان - محمدامین نورانی - اکبر پارسی کیا - عباس تبریزی - مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی نوروزی - بهنام قاسم زاده رضوی - جعفر (حر) رضایی - ابراهیم کردی - مراد میرزایی - اسد یزدانی - اسماعیل برزگر - فریدون بانه ای - فاطمه محمدی - محسن نوربخش - حسن توسلی - فردوس آقا ابراهیمیان - میرمحمد - درخشنده (توماج) - عبدالکریم مختوم - واحدی - حسین جرجانی - حمیدرضا هزارخانی - خسرو گلسترخی - کرامت دانشیان - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیده اند.

لیلا جدیدی

به گفته یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع، برای اولین بار شورای نگهبان قانونی را ظرف پنج دقیقه مورد تایید قرار داد. این قانون که دولت پوسیده احمدی نژاد را به سیاست "سازش ناپذیری" تشویق می کند، امنیت مردم ایران را فدای جدالهای بین ملاها کرده است.

بررسی آخرین اقدامات و اخبار مربوط به طرفهای خارجی به ویژه آمریکا گواه روشنی بر این ادعا است.

نخست آنکه، آمریکا با اجرای تحریم علیه جمهوری ملاها توانسته سد منافع رقیبان اقتصادی مانند چین و روسیه و حتی اتحادیه اروپا و ژاپن را از میان بردارد. مضاف بر آن، اعلام می کند که دامنه اقداماتش به تحریم شورای امنیت سازمان ملل ختم نمی شود. نیکولاس برنز، معاون وزیر امور خارجه آمریکا، در این باره هشدار داد: "ما همه تخم مرغ هایمان را در یک سبد نخواهیم گذاشت."

پس از قرار گرفتن بانک صادرات در لیست سیاه تروریستی بوش، اکنون آمریکا به بانکها و مراکز مالی بین المللی نیز در صورت همکاری با جمهوری اسلامی اخطار داده است. همچنین دستور عدم همکاری کلیه بانکها و موسسات مالی آمریکا با ایران صادر شده است. در همین حال گزارش می شود، دولت و کنگره آمریکا به چین در مورد قرارداد گازی ۱۶ میلیارد دلاری با ملاها هشدار داده و آنرا نقض قانون سال ۱۹۹۶ که شامل تحریم جمهوری اسلامی و لیبی بود، معرفی کرده اند.

این در حالی است که وزیر دفاع جدید آمریکا، رابرت گیتز، از فرستادن دومین ناوگان هوایی به خلیج فارس سخن گفته است. اقدام مزبور زمان کوتاهی پس از آن صورت می گیرد که روزنامه نگار مشهور آمریکایی، سیمور هرش، در مقاله ای به نام "اقدام بعدی، آیا احتمال حمله نظامی از جانب دولت صدمه دیده بوش کم است یا بیشتر شده؟" به افشای تدارک چینی بوش برای اتخاذ سیاست سرسختانه تر که حمله نظامی را نیز در بر می گیرد، پرداخته است.

علاوه بر این، ویتالی چورکین، نماینده روسیه در سازمان ملل متحد نیز جای امیدواری زیادی برای رژیم برای فرار از پیامدهای قطعنامه نگذاشته و جمهوری اسلامی را موظف به اطاعت از قطعنامه شورای امنیت دانسته است.

با این حساب، دست به دامن پاپ بندیکت شانزدهم شدن احمدی نژاد با نوشتن عریضه نامه ای دیگر، دزدی را از رژیم حل نخواهد کرد. ملاها باید به شعار دانشجویان "مردم نان می خواهند نه بمب" پاسخ دهند.

۹ دی ۸۵

برخوردار است را می شود از ادعای پنهان بودن اسلحه های کشتار جمعی عراق در پایگاههای مجاهدین و یا کشتار کردها و شیعیان عراقی توسط آنها و ... که بارها از جانب این بنگاه خبر پراکنی تکرار شده، برگرفت. اما دست درازی "بی بی سی" به اپوزوسیون ایران و گرفتن انگشت اشاره به جانب آنها را می شود خط "آیت الله" به مقلدین تفسیر کرد. زمینه سازی وجه المصلحه قرار دادن مجاهدین خلق از جانب بی بی سی و جهت دادن اذهان عمومی بین المللی علیه آنها و به نفع رژیم چیزی است که از دید ایرانیان آزادیخواه پنهان نمانده و نخواهد ماند.

برای چند هزار مین بار به قلم به مزدان و توطئه گران لانه کرده در شبکه حامی آخوندهای ضد مردم ایران می گوئیم، این آرزو را به گور خواهید برد که مردم ایران بار دیگر اجازه دهند تا آخوندها و دیگر دژخیمان گوش به فرمان استعمار پیر بتوانند دست به جانب فرزندان آنها دراز کنند و همچون سالهای گذشته از کشته آنها پشته بسازند.

اگر بی بی سی و همتایانش در گذشته توانستند زمینه قتل عام هزاران تن از فرزندان مردم ایران را فراهم کنند و هنوز هم با بایکوت خبری مانع رسیدن اخبار چنین فجایعی به گوش مردم جهان شوند، این بار اما هرگز اجازه چنین عملی داده نخواهد شد. ۲۹ دی ۸۵

شبکه خبری "بی بی سی" که به دلیل جهت گیری آخوند پناه خود در بین ایرانیان به "آیت الله بی بی سی" معروف است، در استقبال از سخنان وزیر امور خارجه ملایان به میدان آمد و سعی کرد تا با تکرار حرفهای همیشگی، مجاهدین خلق را به میانه درگیریها بکشاند.

بر اساس خبرهای منتشر شده، منوچهر متکی، وزیر امور خارجه رژیم ولایت فقیه، در دیدار با وزیر مشاور امنیت و سرپرست وزارت حمل و نقل عراق گفته است: "در پرتو مناسبات متین دو کشور، حضور گروههای ضد انقلاب و معاند دو ملت در عراق غیرقابل قبول بوده و انتظار ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران

استرداد مجرمین به جمهوری اسلامی و اخراج معاندین از عراق می باشد". این حرفها در حالی زده می شود که ارتش آمریکا در اربیل تعدادی از تروریستهای صادراتی رژیم را دستگیر کرده است و پادوهای ولایت فقیه که در این میانه دستشان رو شده و هیچ بهانه ای برای این عمل خود ندارند،

با فرار به جلو و پیش کشیدن حضور مجاهدین خلق در عراق سعی دارند تا حضور تروریستهای خود را توجیه کنند. "آیت الله بی بی سی" که مقلدین خویش را در تنگنا دیده است، سراسیمه وارد میدان شده و با پخش یکسری از مطالبی که بارها آنرا تکرار کرده، قصد

کمک به متکی و رژیمش را دارد. به زبان دیگر، تا متکی به "ف" اشاره می کند، "بی بی سی" تا فرزند می دود. اینکه تبلیغات پخش شده از بی بی سی تا چه اندازه از اعتبار

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم